









## تجلیل از برگزیدگان کانون‌های فرهنگی – هنری مساجد کشور

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان این‌که شبکه‌سازی به عنوان یکی از کارکردهای درونی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد به‌شمار می‌آید، گفت: کانون‌های فرهنگی هنری مساجد باید خط ارتباطی پیچیده‌ای میان مساجد را که فعالیت‌های اجتماعی خود را از مسجد آغاز کرده‌اند حفظ کند و به‌جای ایجاد شبکه‌سازی کانون‌ها به شبکه‌سازی افراد بپردازد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس صالحی روز گذشته در نشست با برگزیدگان نخستین رویداد ملی فهما که به حضور حجت‌الاسلام حبیب‌رضا اززانی رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، سراسر کشور و سیدعلی احمدی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران برگزار شد، با بیان این مطلب افزود: کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، به ویژگی مردمی، دینی و ایرانی بودن را دارند که وقتی با هم ترکیب می‌شوند آن را از دیگر حوزه‌ها متفاوت می‌کنند.

وی ادامه داد: ویژگی اول آن مردمی بودن است به این معنا که حوزه‌های اداری بعد از مدتی در ساختاری فرار می‌گیرند که شکل تکلفی به خود می‌گیرد، ولی مردم روح زلال و روان هستند و طرح فهما هم برخاسته از مردم است. ویژگی دوم آن دینی بودن است. دین، بخشی از هویت اجتماعی ما در کشور و جهان به‌شمار می‌آید و طرح فهما هم مکان و هم جوشن رنگ و بوی دینی دارد. ویژگی سوم آن طرح، گستره آن در تمامی ایران است. کمتر شبکه‌ای در کشور با این وسعت وجود دارد که تمامی شهرها، روستاها و محله‌ها را در بر بگیرد.

صالحی در عین حال تصریح کرد: تا زمانی که کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و طرح فهما این سه ویژگی و طعم را با یکدیگر دارند، می‌توانند نمایان‌گر جغرافیای گسترده با ویژگی‌های متعدد و رنگین کمانی ایرانی را با هم داشته باشند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ادامه داد: این ویژگی ترکیبی (مردم، دین، ایران) کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، ظرفیت‌های پراکنده و غیر دقیق آن را دقیق‌تر کرده است و در حال حاضر می‌دانیم چه داریم و ظرفیت‌های ما در این حوزه چیست که منجر به ایجاد قدرتی مضاعف می‌شود و مسیر آینده را برای ما روشن می‌کند.

وی تصریح کرد: در حوزه کارکردهای درونی، توجه به شبکه‌سازی مهم است که بتوانیم از این طریق مجموعه فعالیت‌های کانون‌ها را در حوزه‌های مختلف فرهنگی، دینی، هنری، سرود، فرهنگ و اقتصاد، فرهنگ و سلامت، تربیتی، کودک و نوجوان و … به‌همدیگر منتقل کنیم و در سراسر کشور به اشتراک بگذاریم.

صالحی درباره کارکردهای درونی طرح فهما توضیح داد: تصویرسازی درست یکی از این کارکردهاست. بخشی از جامعه ایرانی، تصویر درستی از مسجد و کانون‌های فرهنگی هنری مساجد ندارند و آن را کم می‌شناسند یا نمی‌شناسند و این منجر به اختلال ارتباطی می‌شود. این طرح باید تصویرسازی درست و بدون مبالغه‌ای از خود به‌جمله به ویژه جوانان ارائه دهد تا قدرت اثرگذار آن خود را افزایش دهد.وی افزود: پویسنمایی ویژگی دوم کارکرد بیرونی به‌شمار می‌آید. باید بین جامعه هنری، فرهنگی و … با کانون‌های فرهنگی و هنری ارتباط و پیوند صورت بگیرد و در ظرفیت همدیگر بهره‌کافی برآید. صالحی، جریان‌سازی را ویژگی وزیر کارکرد بیرونی برشمرد و گفت: جریان فرهنگ و هنر باید بتواند با جریان فرهنگی اقتصادی مسجدی، فرهنگی تفریحی مسجدی و … طعم و بوی خود را به‌جمله منتقل کند و برای آن نقشه‌گذاری هم بکند.

در ابتدای این نشست، حجت‌الاسلام والمسلمین حبیب رضا اززانی، مشاور وزیر و رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور گفت: طرح فهما زیست‌ویژه برای فعالیت‌های فرهنگی هنری در ستاد مسجد است. وی تصریح کرد: این طرح فرصت است که اغضا و مسؤلوان از طریق آن، ایده‌های خلاق و تجربیات در حوزه‌های مختلف فرهنگی هنری و … دریافت می‌کنند و از این طریق مساجد بر رونق‌تر می‌شود.

وی افزود: ۹۸ درصد از کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور در این طرح شرکت کرده‌اند که بعد از چند مرحله دایری، ۱۸ کانون برگزیده کشور است.

در ادامه این نشست، سیدعلی احمدی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: امروز دنیا در مسیر جدیلنی بعد از شیوع کرونا قرار گرفته است و سبک زندگی و ایده‌ها و همه زمینه‌ها از جمله آموزش، اقتصاد و امنیت تغییر یافته است.وی افزود: دنیا بعد از دنیا شاهد نسل به نسل، مفوله‌های جدیدی هستیم که پیش از این به آن توجه نمی‌شد و آن سرمایه انسانی و توجه به نقطه تاب‌آوری جوامع در مقابل عوامل محیطی است. واحدی ادامه داد: جامعه ما ارزش‌ها و سرمایه اجتماعی دارد که ریشه آن در مساجد است و توانسته با توجه به تحریم‌هایی که می‌دارد تارپ آوردوی تأکید کرد: برای کار فرهنگی چند پیش‌نیاز لازم است که شناخت داشته‌ها، جریان‌سازی و مخاطب‌سازی و جهت دهی کار فرهنگی آن است. جمله‌اند. در حوزه شناخت داشته‌ها، شهید و ایثارگران الگوهای هستند که از مساجد برخاسته‌اند. در پایان این نشست برگزیدگان نخستین طرح ملی فهما از سوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تقدیر شدند و همچنین از بوستر رویداد بین المللی روح مقاومت رونمایی شد.

### حسین انتظامی: سینمای دهه ۹۰ را نمی‌توان همانند دهه ۷۰ مدیریت کرد

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

انتظامی درباره ورود نسل جدید در سه عرصه کارگردانی و تهیه‌کنندگی و بازیگری به سینما و حمایت از این نسل توضیح داد: سال گذشته جلساتی با کارگردانان متولد بعد از انقلاب داشتیم. این همه استعداد و خلاقیت در میان کارگردانان این نسل برآیم جالب بود. در آن جلسه قول دادم چند کار برای آنان انجام دهم؛ از جمله مسأله تهیه‌کنندگی. آنان شکایت داشتند که در روند یافتن تهیه‌کننده و پیدا کردن سرمایه‌گذار به مشکلاتی برمی‌خورند که در نهایت اغلب مجبور می‌شوند تا ساخت فیلم صرف‌نظر کنند. آنان خواهان این بودند

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

رئیس سازمان سینمایی، می‌کند و به عنوان مقام سیاستگذار و مجری، حامی این جریان است. سینمای ایران کلی نظام هم همین است. بنابراین وقتی ما در چنین زمینه‌ای در حال مدیریت هستیم، پیرو کلیت حاکم پیش می‌رویم.

## دکتر بلخاری: فتوت‌نامه‌ها، منشور اخلاقی و عملی جامعه سنتی ایران هستند

نشست مجازی «روزصنایع دستی و روز فرهنگ پهلوانی و ورزش‌های زورخانه‌ای»، به مناسبت فرارسیدن بیستمین خرداد، روز صنایع دستی و ورزش‌های پهلوانی و به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، عصر سغشمبه ۲۰ خرداد ماه برگزار شد.

دکتر حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این نشست



دکتر حسن بلخاری

مجازی درباره برابره نسبت میان دو مفهوم صنایع دستی و ورزش پهلوانی عنوان کرد: در فرهنگ ما این دو یک نیست جدی با هم دارند. اول باید بگویم چه نسبتی میان روز صنایع‌دستی با انجمن آثار و مفاخر وجود دارد. در بند اول اساسنامه انجمن آثار ملی که در سال ۱۳۰۱ شمسی تدوین شد، آمده هدف آن تشکیل این انجمن از زیاده عاقله عامه به آثار قدیمی تاریخی و علمی و صنعتی و ایران است و به منظور نگهداری صنایع دستی و حفظ سبک و شیوه قدیم آنها این انجمن تأسیس می‌شود. پس هدف اول این انجمن، احیای صنایع دستی و ملی‌ماست.

وی افزود: ما در روزگار فعلی دو مفهوم متفاوت از صنعت داریم؛ یکی به معنای «تکنولوژی» است که به‌امور فنی مربوط می‌شود. اما وقتی گفته شدنی «در کنار صنعت قرار می‌گیرد، معنای دومی می‌یابد که اشاره به‌بخش خاصی از آن دارد. همچنین ما سه واژه در باب هنسر داریم: یکی خود واژه «هنر» که ریشه‌روستانی دارد، یکی کلمه «صنعت» و دیگری کلمه «فن»؛ این دو کلمه آخر، ترجمه‌عربی‌کلمه‌های «هنر» و «صنعت» هستند. هنرهای که در فرهنگ سنتی، معاصر، در باب‌صناعت حرف می‌زنیم، می‌بینیم این مفهوم، معنای فلسفی گسترده‌ای دارد. یونانی‌ها این کلمه (صنعت) را در مقابل فزیرس (طبیعت) به کار

### وزیر آموزش و پرورش: فرهنگ و مدرسه‌ساز، فرهنگ و آینده را می‌سازند

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه مدرسه یک ساختمان نیست و مدرسه ساز فقط ساختمان نمی‌سازد بلکه فرهنگ را می‌سازد.
امسال طرح آب و آجر را شروع کرده‌ام که هر کس می‌تواند حتی با اهدای یک آجر در امر مدرسه‌سازی مشارکت کند.

به گزارش ایسنا، محسن حاجی میرزایی در مراسم بزرگداشت سالروز درگذشت مرحوم حافظی، بنیانگذار جامعه خیرین مدرسه‌ساز که در اردوگاه باهنر برگزار شد، اظهار کرد: امیدوارم نهال امر خیر

## اخبار داخلی

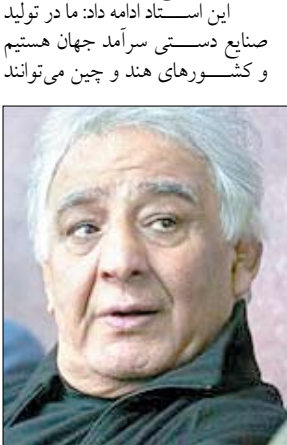
رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تأکید کرد: میان صنایع دستی و ورزش پهلوانی نسبت وجود دارد. فتوت‌نامه‌ها، منشور عینی، اخلاقی، عملی و هویتی صنوف مختلف در جامعه سنتی ایرانی هستند. مرحوم پیشکسوت و رئیس چند دوره کاشفی در فصل سوم فتوت‌نامه خود، در شرح اهل زور حرف می‌زند و از هشت طایف نام می‌برد که اولین



دکتر بهمن نامور مطلق

می‌گفتند که با طرافت و زیبایی همراه بودند. مثلاً انسان می‌توانست اثری را با دست خودش بیافریند اما وجوهای طریقه با زیبایی‌شناختی نداشته باشد که اصطلاح صنعت را برای آنها به کار نمی‌بردند. صنایع مستظرفه دو ویژگی داشتند: تمنائی از فرهنگ ما بودند و فرم و صورت هنری داشتند.

بلخاری تصریح کرد: نکته جالب دیگر این که انسان، فارغ از این که خلق صنایع‌دستی است، خودش اکمل صنایع‌دستی عالم است. این را بر بنیاد یکی از اسیاست قرآن عرض می‌کنم، هنگامی که خداوند به الییس می‌فرماید «چه چیزی تو امانع کرد که به آن کسی من یا دستان خودم خلقش کردم، صانع کنی؟» این آیه از لحاظ صوری بااصطلاحی که ما از صنایع‌دستی داریم، سازگار است. وی افزود نکته بعدی، بحث در باب مهابت ورزش و نسبت و فرهنگ آن است. وقتی وارد حوزه فرهنگ می‌شویم، به مفهوم فرهنگی صنایع‌دستی هم نزدیک می‌شویم. یک متن تاریخی‌سم به وجود دارد که در آن از کشتی با عنوان فرهنگ نامه است. در فرهنگ ما اخلاق پهلوانی نمی‌تواند متفک از فرهنگی باشد که عبقه نظری صنایع‌دستی ما را تشکیل می‌دهد. ما در جهان سنتی با نوعی وحدت مواجیه که در آن همه اجزا باهم ارتباط دارند.



دکتر حسن غفوری فرد

آنها، کشتی‌گیران هستند. در این متن در باب اخلاق و منش کشتی‌گیران و همچنین آداب استادان کشتی سخن به میان آمده است. شما اینجا با یک نظام استاد شاگردی مواجیه که جوانمردی را مینا قرآنی‌دهد، بعد سراغ تکنیک و فن می‌روید. حلال بر این بنیاد به صنایع‌دستی و ورزش‌های پهلوانی نگاه کنید، خواهید دید هر دو مبتنی بر یک فرهنگ هستند.

در ادامه، دکتر حسن غفوری فرد، استاد دانشگاه فرهنگیان و رئیس سابق سازمان تربیت بدنی کشور اظهار کرد: این فرهنگ ورزشی جهان وراثتی به نام champion قهرمان وجود دارد؛ به معنای کسی که در یک مسابقه ورزشی پیروز می‌شود یا در ورزش‌های گروهی، مثلاً بیشتر گل می‌زند. اما در فرهنگ ورزشی ایران وراثتی به نام پهلوان وجود دارد. این واژه منحصر بفرز عدی نیست و ضمن داشتن همه مشخصات قهرمان، از غنای بیشتری برخوردار بوده و جنبه قدسیتی دارد. پهلوان در زور بازو و خلاقیتش بی‌نهایت است و در هر جنبه‌ای که نیاز باشد، با اهلای یک آجر در امر مدرسه‌سازی مشارکت کند. به گزارش ایسنا، در این مراسم از سریدس و تمبر یابود مرحوم حافظی رونمایی شد.

همچنین حمدقدیر توخنت، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در این مراسم خاطر نشان کرد: تاکنون بیش از ۱۳۳ هزار کلاس درس از سبوی خیران مدرسه‌ساز در اختیار آموزش و

### وزیر آموزش و پرورش: فرهنگ و مدرسه‌ساز، فرهنگ و آینده را می‌سازند

وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه مدرسه یک ساختمان نیست و مدرسه ساز فقط ساختمان نمی‌سازد بلکه فرهنگ را می‌سازد.
امسال طرح آب و آجر را شروع کرده‌ام که هر کسی می‌تواند حتی با اهدای یک آجر در امر مدرسه‌سازی مشارکت کند. به گزارش ایسنا، در این مراسم از سریدس و تمبر یابود مرحوم حافظی رونمایی شد.

همچنین حمدقدیر توخنت، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در این مراسم خاطر نشان کرد: تاکنون بیش از ۱۳۳ هزار کلاس درس از سبوی خیران مدرسه‌ساز در اختیار آموزش و

### کمیته کشوری اپیدمیولوژی کرونا: ۱۵ میلیون نفر مبتلا به ویروس کرونا شده‌اند

در ۲۴ ساعت گذشته، ۱۴هزار و ۲۴۹ کووید۱۹-جان خود را از دست دادند و به این ترتیب مجموع جان باختگان این بیماری به ۸ هزار و ۲۴۵ نفر رسید. به گزارش ایسنا، وی افزود: ۶۳۹ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در وضعیت شدید این بیماری تحت مراقبت قرار دارند و تا کنون یک میلیون و ۱۲۸ هزار و ۱۶۰۱ زامایش تشخیص کووید۱۹ در کشور انجام شده است.

**تسهیل صادرات محصولات کرونایی**
مهدی قلعه نوری، رئیس مرکز تعاملات بین الملل علم و فناوری، معاونت علمی، فناوری گفت: برای تسهیل از فرصت صادرات محصولات مرتبط با کرونا در حال ارزیابی با دستگاه‌های مختلف هستیم تا صادرات این شرکت‌ها به سهولت انجام شود.

وی افزود: در حال حاضر بیش از ۸۰ کشور دنیا صادرات محصولات مرتبط با کرونا را ممنوع کرده‌اند. قلعه نوری با اشاره به محصولات مرتبط با کرونا که قابلیت صادرات دارند، اظهار کرد: کت‌های تشخیص کووید ۱۹، ویتلازور، اکسیژن‌ساز و پالس اکسیمتر، ترمومتر، ماسک و دستگاه تولید ماسک، دستکش و محلول‌های ضد عفونی و … از جمله محصولاتی هستند که در کشور توسط شرکت‌های دانش بنیان تولید می‌شوند

و نیاز کشور را تأمین می‌کنند. رئیس مرکز تعاملات بین الملل علم و فناوری با اشاره به موضوع صادرات کت‌های تشخیص کووید ۱۹ که توسط یکی از شرکت‌های دانش بنیان تولید شده و مجوز صادرات دارد گفت: اولین محصولی که به مرحله صادرات رسید، کت‌های تشخیص کرونا هستند که نمونه‌های تست آن به بیش از ۱۰ کشور ارسال شده‌اند.

**نارسیا حاد کلیه**

بررسی پژوهشگران آمریکایی در یکی از بیمارستان‌های نیویورک نشان می‌دهد که بیماران مبتلا به کووید۱۹ این حاد کلیه مبتلا هستند.
پژوهشگران آمریکایی در یکی از بیمارستان‌های نیویورک نشان می‌دهد که بیماران مبتلا به کووید۱۹ این حاد کلیه مبتلا هستند.

پژوهشگران امرکز پزشکی دانشگاه کلمبیا و «بیمارستان نیویورک – پرسبیتین» با استفاده از داده‌های دست آمده از سوابق پزشکی الکترونیکی بیماران دریافتند که نیاز به ویتلازور کمکیکی، در دو بازه زمانی پس از آغاز بیماری بیشتر بوده است. در این پژوهش، دوره بالایی ۱۰۰۰ بیمار نخست مبتلا به کووید ۱۹ که در مرکز پزشکی دانشگاه کلمبیا و بیمارستان نیویورک – پرسبیتین، بین تاریخ اول مارس تا پنجم آوریل ۲۰۲۰ تحت درمان قرار گرفتند، به صورت جامع بررسی شد.

میزبان بیماری‌های مزمن در بیماران این پژوهش نسبت به بیماران دیگر، بالاتر بود. متداول‌ترین مشکلات این بیماران، فشارخون و دیابت بود که به ترتیب ۷۰ و ۳۰ درصد گزارش شدند. بیش از نیمی از بیماران بستری شده مبتلا به کووید ۱۹، مرد بودند و میانگین سنی بیماران نیز ۶۷ سال بود.

## اخبار داخلی

تحصیل‌کرده در حوزه صنایع دستی دنیا داریم و صنایع ما در مسابقات جهانی بیشترین امتیازات را دارند ولی جایگاه شایسته خود را ندارند؛ زیرا ما نتوانستیم توافق و فروتنی می‌دهد.

محمدرضا طالقانی، کشش‌گیر این استاد ادامه داد: ما در تولید صنایع دستی سرآمد جهان هستیم و کشورهای هند و چین می‌توانند



محمدرضا طالقانی

مدیرکل دفتر ثبت آثار وزارت میراث‌فرهنگسی، گردشگری و صنایع‌دستی گفت: ۱۴ بنای تاریخی تهران از ساختمان‌های فرد و استیتو پاستور تهران تا هتل لاله لا‌ه‌زارثبت ملی شدند.

به گزارش میراث‌آریا، مصطفی پورعلی در جلسه شورای ملی ثبت آثار تاریخی و فرهنگی غیرمعمول گفت: با اجماع اعضای شورای ملی ثبت آثار از استان تهران هتل لاله در لاله‌زار، آتلیه و دفتر کار هوشنگ سبحون، ساختمان قدیمی فورد، ساختمان استیتوو پاستور تهران و خانه حکمت (مرکز پژوهش‌های علمی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی تهران) در فهرست آثار ملی به عنوان میراث معماری معاصر ثبت شدند. او افزود: دانشکده امام صادق، هسته اولیه مدرسه عالی مدیریت، ساختمان دبیرخانه شورای عالی فرهنگی، ساختمان شیرینی‌فروشی مینین، ساختمان دفتر مهندسان مشاور تئیر واقع در تهران، خیابان انقلاب، خیابان رازی، کوچه مهبد، پلاک عبه عنوان میراث معماری معاصر و بنای تاریخی موسوم به مؤسسه آموزش بانکداری ایران، حسینیه سادات‌اخوی، فرهنگسرای ایران، پارک قطره و بنای واقع در خیابان فروش، نبش خیابان تشکرسی موحدا از استان تهران از دیگر آثار تاریخی و فرهنگی غیرمعمول ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور هستند.

پورعلی تصریح کرد: پارک جمشیدیه تهران و بنای واقع در چهارراه دکتر حسینی، خیابان دربندی، پلاک ۱۲۹ (خانه برومند)، جزو آثار تاریخی موسوم به مؤسسه آموزش بانکداری ایران، حسینیه سادات‌اخوی، فرهنگسرای ایران، پارک قطره و بنای واقع در خیابان فروش، نبش خیابان تشکرسی موحدا از استان تهران از دیگر آثار تاریخی و فرهنگی غیرمعمول ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور هستند.

پورعلی تصریح کرد: پارک جمشیدیه تهران و بنای واقع در چهارراه دکتر حسینی، خیابان دربندی، پلاک ۱۲۹ (خانه برومند)، جزو آثار تاریخی موسوم به مؤسسه آموزش بانکداری ایران، حسینیه سادات‌اخوی، فرهنگسرای ایران، پارک قطره و بنای واقع در خیابان فروش، نبش خیابان تشکرسی موحدا از استان تهران از دیگر آثار تاریخی و فرهنگی غیرمعمول ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور هستند.

پورعلی تصریح کرد: پارک جمشیدیه تهران و بنای واقع در چهارراه دکتر حسینی، خیابان دربندی، پلاک ۱۲۹ (خانه برومند)، جزو آثار تاریخی موسوم به مؤسسه آموزش بانکداری ایران، حسینیه سادات‌اخوی، فرهنگسرای ایران، پارک قطره و بنای واقع در خیابان فروش، نبش خیابان تشکرسی موحدا از استان تهران از دیگر آثار تاریخی و فرهنگی غیرمعمول ثبت شده در فهرست آثار ملی کشور هستند.

پورعلی افزود: در استان فارس

## چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ - ۱۸ شوال ۱۴۴۱ - ۱۰ ژوئن ۲۰۲۰ - سال نو و چهارم - شماره ۲۷۵۷۷

## ثبت ملی ۱۴ بنای تاریخی تهران

از فهرست میراث ملی خارج شده بود.

وی تصریح کرد: استان آذربایجان شرقی ازجمله استان‌هایی است که بیشترین آثار خروج از ثبت را دارد. در این میان استان‌های آذربایجان غربی، اصفهان و گلستان نیز در فهرست استان‌هایی هستند که آثارشان از فهرست میراث ملی خارج شده‌اند. مدیرکل حقوقی وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی میراث ملی خارج شده‌اند. قضایی در حوزه میراث فرهنگی که طی سال‌های گذشته با آن دست

و پنجه نرم کرده‌اند، نیز اظهار کرد: نقض حریم کاخ گلستان، چالش برانگیزترین پرونده‌ای بود که سال‌های گذشته در حوزه میراث فرهنگی مطرح شد. البته این پرونده هنوز باز است و به نتیجه نرسیده است. با این وجود متخلفان شناسایی و به کمیته رسیدگی به تخلفات اداری فرستاده شده‌اند و همچنان پیگیر این



پرونده در قوه قضاییه هستیم. البته درحال حاضر این ساخت و ساز متوقف شده است.

شفاقی با اشاره به این‌که وزارت میراث و گردشگری مالکیت تعداد اندکی از ۳۳ هزار ثبتی کشور را برعهده دارد، گفت: بسیاری از این آثار، مالکان خصوصی و دولتی دارند و مونسان در وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی جلالت متعددی با سازمان ثبت اسناد برگزار کردیم و موفق شدیم ۸۰۰ سند تکبرگی آثار تاریخی ثبت شده و در اختیار وزارتخانه میراث را دریافت کنیم. یک نمونه آن عمارت مسعودیه است که هنوز پرونده آن در دادگاه جریان دارد و رأی صادر نشده است؛ اما سند تک برگی آن را دریافت کردیم. ضمن آن‌که حتی اگر رأی نیز صادر شود، بدوی خواهد بود و دادگاه تجدیدنظر خواهد رفت. شاید بتوان گفت این پرونده یکی دیگر از پرونده‌های چالش برانگیز سال‌های گذشته در حوزه میراث فرهنگی بوده است.

با اشاره به اینکه با گذشت ۳۵ سال از شکل‌گیری سازمان میراث فرهنگی، شهادت ثبت ۳۳ هزار اثر غیرمعمول در فهرست آثار میراث ملی هستیم، گفت: قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۶۴میلادی شد و از آن سال تاکنون در کل کشور، ۳۳ هزار اثر ثبت شده‌اند که فقط ۱۵مورد آنها یعنی حدود سه دهم درصد کل آثار ثبتی، از ثبت خارج شده‌اند و می‌توان گفت حتی به نیم درصد هم نمی‌رسند. به گفته وی، طی ۵۰ سال گذشته، بیشترین خروج آثار از فهرست میراث ملی در سال ۱۳۸۸ اتفاق افتاده است، چنان‌که در این سال بنا بر رأی دیوان عدالت اداری ۱۱ اثر از فهرست ثبت ملی خارج شدند. شفاقی درباره تعداد آثار ثبتی که از سال ۱۳۹۲ تاکنون از فهرست میراث ملی خارج شده‌اند، توضیح داد: در سال ۱۳۹۰ اثر، در سال ۹۳ اثر، سال ۹۴ یک اثر، سال ۹۵ سه اثر، سال ۹۶ اثر، سال ۹۷ سه اثر و سال ۹۸ نیز سه اثر از فهرست میراث ملی خارج شدند. به بیان دیگر در هفت سال گذشته، ۱۷ اثر از فهرست میراث ملی خارج شده‌اند؛ در حالی که در سال‌های ۹۸ و ۹۷ به ترتیب ۱۱ و ۷ اثر



www.mci.ir

**جوانیت رو کامل کن**

**فروش سیم کارت دائمی جوانان**

**۵۰٪ تخفیف + ۱۰ گیگا بایت اینترنت یکماهه**



این زمینه پیگیری می‌کنیم. تا پیش از این وقتی قبلی ساخته می‌شد، رایت تولید می‌رود، وی دی و وی و وی و دی داشت و حالا از نگاه من اکران آنلاین خود یک ظرفیت جداگانه است و باید به لحاظ حقوقی این موضوع بررسی و تقویت شود.

وی برای جلوگیری از دالود فیلم‌ها تأکید کرد: به طور طبیعی رهاکار آن یافته می‌شود. اگر دستگاه سیانگزار بگوید وظیفه من این است که فیلم به طور غیرقانونی منتشر نشود. با گسترش اکران آنلاین این و وظایف ستاد صیانت از آثار این است که همانند بافتن سرقلقه قاچاق فیلم‌های سینمایی، با همکاری پلیس فتا و دادستان و سایر بخش‌های مرتبط و همچنین تولیدکردن سایت‌های دالود، مانع از این کار شود و در همین مدت نیز این کار انجام شده است.

این زمینه پیگیری می‌کنیم. تا پیش از این وقتی قبلی ساخته می‌شد، رایت تولید می‌رود، وی دی و وی و وی و دی داشت و حالا از نگاه من اکران آنلاین خود یک ظرفیت جداگانه است و باید به لحاظ حقوقی این موضوع بررسی و تقویت شود.

وی برای جلوگیری از دالود فیلم‌ها تأکید کرد: به طور طبیعی رهاکار آن یافته می‌شود. اگر دستگاه سیانگزار بگوید وظیفه من این است که فیلم به طور غیرقانونی منتشر نشود. با گسترش اکران آنلاین این و وظایف ستاد صیانت از آثار این است که همانند بافتن سرقلقه قاچاق فیلم‌های سینمایی، با همکاری پلیس فتا و دادستان و سایر بخش‌های مرتبط و همچنین تولیدکردن سایت‌های دالود، مانع از این کار شود و در همین مدت نیز این کار انجام شده است.

این زمینه پیگیری می‌کنیم. تا پیش از این وقتی قبلی ساخته می‌شد، رایت تولید می‌رود، وی دی و وی و وی و دی داشت و حالا از نگاه من اکران آنلاین خود یک ظرفیت جداگانه است و باید به لحاظ حقوقی این موضوع بررسی و تقویت شود.

وی برای جلوگیری از دالود فیلم‌ها تأکید کرد: به طور طبیعی رهاکار آن یافته می‌شود. اگر دستگاه سیانگزار بگوید وظیفه من این است که فیلم به طور غیرقانونی منتشر نشود. با گسترش اکران آنلاین این و وظایف ستاد صیانت از آثار این است که همانند بافتن سرقلقه قاچاق فیلم‌های سینمایی، با همکاری پلیس فتا و دادستان و سایر بخش‌های مرتبط و همچنین تولیدکردن سایت‌های دالود، مانع از این کار شود و در همین مدت نیز این کار انجام شده است.





































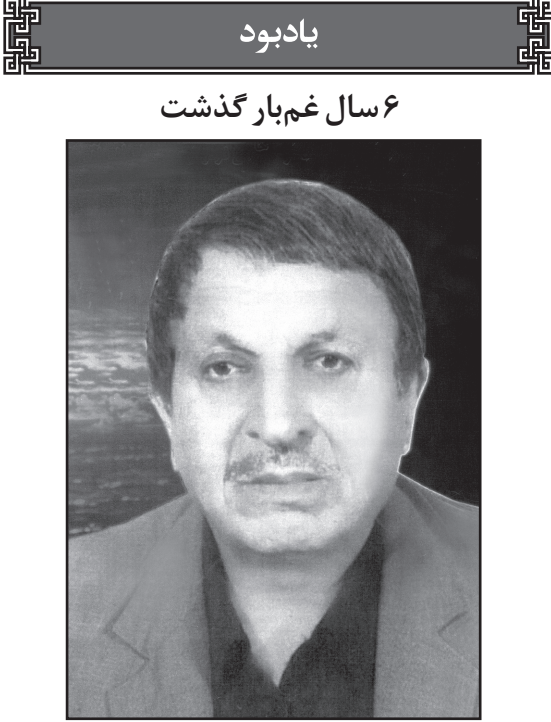












زنده یاد شادروان عیسی صومعه‌نشین

(بازنشسته روزنامه اطلاعات)

پدرم نیست ولی خاطره‌هایش باقیست

یاد آن قلب پر از مهر و وفایش باقیست

مرگ پایان کسی نیست که عاشق باشد

پدرم رفت ولی عشق و دعایش باقیست

«پدر جان به چه مشغول کتم دیده و دل را که هنوز دل تو را می‌خواهد دیده تو را می‌جوید»

پدر جان سال‌ها و ماه‌ها و هفته‌ها هم سپری شود هیچ‌وقت نمی‌توانیم فراموشت کنیم گذشت زمان هم نتوانست که ما فراموشت کنیم چون به هر سو که می‌نگریم غم نبودنت را حس می‌کنیم و همیشه مهربانی‌ها، زحمت‌ها و خوبی‌هایت را هیچ‌گاه نمی‌توانیم از یاد ببریم و در این ۶ سالگی که ما را تنها گذاشتی و رفتی ناباورانه روزهایمان را به شب و شب‌هایمان را به صبح رسانده‌ایم و همیشه در حسرت روزهای با هم بودن. به همین مناسبت روز جمعه ۹۹/۳/۲۳ که مصادف است با ششمین سالگرد پدر عزیز و مهر بانمان بر سر مزار پاکش در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۱۶ گرد هم می‌آئیم و با خواندن سوره یاسین و فاتحه یادو خاطره‌های شیرینش را گرامی می‌داریم.

**خانواده‌های همیشه دغد‌ار: صومعه‌نشین – گرامی**

(یادبود)

۲۱ خرداد مصادف است با هفدهمین سالگرد در گذشت مرحوم حاج سید کاظم ضیائی‌ان روحش شاد و یادش گرامی

**خانواده ضیائی‌ان**

بازگشت همه به سوی اوست

آفرینش مادر ز مهر اوست



شکوفایی همه عالم هستی ز مهر مادر است
به مناسبت چهلمین روز درگذشت مادر عزیزمان بانو معصومه پری‌دخت فروهنده

(بازنشسته وزارت آموزش و پرورش)

از کلیه‌دوستان و آشنایان که با تماس تلفنی و پیام‌های صمیمانه خود ابراز همدردی و موجب تسلی خاطر مان شدند تشکر و قدردانی می‌نماییم و برای همه عزیزان سلامتی و توفیق آرزو مندیم در ضمن به علت شرایط خاص کرونا در کشور کلیه هزینه‌های مراسم چهلم و یادبود برای شادی روح آن عزیز آسمانی صرف امور خیریه می‌گردد.

**خاک من گل شود و گل شکفتد از گل من**
**تا بد مهر تو بیرون نرود از دل من**
همیشه دوستت دارم مادر هر جا که هستی؛
روانت شاد، یادت گرمای و خاطره‌ات جاودان
**بهرام – فرهاد – شادروان فریا – امیر**

بیستم خردادماه مصادف با پانزدهمین سالگرد درگذشت پدر گرانقدرمان شادروان مرحوم مغفور **حاج میرزا ابراهیم رفیعی** فرزند مرحوم حاج محمدتقی و نوه گرامی مرحوم حاج محمد مهدی و نوه دختری مرحوم آیت‌اله حاج سیدعبداله رضوانی ساوچی می‌باشد ایشان همسری وفادار، پدری مهربان، رادمردی با فضیلت، آسوده‌تقوی و سستار صفا و انسانیت بودند.
دریغ و درد که تر کمان کرد همان سان که دو برادر بزرگوارشان مرحوم حاج میرزا اسماعیل و مرحوم حاج میرزا علی چهره در نقاب خاک کشیدند، مقارن با ایام سالگرد آن مرحوم بر آن شدیم تا که استانش را با اشک چشم و سایه مژگان بیاراییم. ضمناً هزینه مراسم یادبود آن عزیز از دست رفته را صرف امور خیریه آسایشگاه معلولان ذهنی بانو سمیه شهرستان ساوه خواهیم کرد باشد که به ثواب نزدیکتر باشد و به درگاه ایزد منان مقبول تر، ارواح پاک ایشان را با ثبات فاتحه‌ای به آرامش می‌رسانیم.

**خانواده مرحوم ابراهیم رفیعی**

**شیرینم،**
بی تو این خانه دگر آن خانه نیست
شور عشق و نور هستی اندر این کاشانه نیست
لبلب و گل، عطر سنبل دیگرم همخانه نیست
اشک ماتم از برایم چاره نیست
بدیع جون و بابای عزیز، ۲۲ خرداد چهل روز است که شیرین با قدرت، توانا، مهربان و دوست‌داشتنی اهل شعر و ادب که در دانه شما بود و عاشق زندگی و خوشحال از آنچه داشت با نداشت، در نهایت ضعف و ناتوانی از بیماری رضا به ترک ماداد و در کنار شماست، غم از دست دادنش بار گرانی است کشیدن بدوش، نبود او غیر قابل باور، تحمل و جگرسوز، او زنده است با خاطراتی که از او داریم و وجودش که سرشار از عشق به زندگی بود.
روحش شاد و یادش گرامی
**شاهین رضائی شهرضا**
**ابراهیم رضائی شهرضا**
**شهره آفاق، ...، شهر آشوب، شهریار درود و کامران رهگذار**



۲۵ خرداد مصادف با چهلمین روز درگذشت پزشک عالیقدر جناب آقای دکتر **احمد زاهدی** جراح گوش و حلق و بینی است.ایشان در تمام مدت عمر طبابت خود همواره دستگیر و یاری سان بوده و خدمات ارز شمندی در دوران دفاع مقدس در پایگاه هوایی دزفول، بیمارستان نیروی هوایی و بسیاری دیگر از مراکز خدماتی درمانی عام‌المنفعه ارائه داده‌اند. خداوند باری تعالی روح این انسان فرهیخته را قرین رحمت خاصه خود نماید و به خانواده و بازماندگان ایشان صبر و بردباری عطا نماید.

**دکتر ناهید زراقی آذر – مهندس مهسا زاهدی –**
**دکتر آزاده زاهدی**
**خانواده‌های: زاهدی – زراقی آذر – آقا زاده – صناعی – شریک – حافظ القرآنی – امامی فر – نوربخش –**
**کیان ارثی – عقیلی – سحبان – اصلانزاده**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت نساجی کاشان (سهامی خاص) (نوبت دوم)**
با توجه به عدم حصول حد نصاب لازم جهت رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العادهی صاحبان سهام شرکت نساجی کاشان (سهامی خاص) در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۴، به استناد حکم مادهی ۸۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مجمع مذکور برای نوبت دوم رأس ساعت ۱۵ روز شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹ به نشانی تهران: میدان تجریش، ابتدای خیابان ولی عصر، جنب بانک سپه، ساختمان اداری سرشار، طبقه یک، واحد ۴۱ تشکیل خواهد شد.
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامیاندگان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود طبق مادهی ۲۱ اساسنامه برای دریافت کارت ورودی اقدام و در اجرای برنامهی مجمع به‌شرح ذیل شرکت فرمایند.
**دستور کار مجمع:**
۱. استماع گزارش هیات‌مدیره و بازرس قانونی شرکت.
۲. بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۵.
۳. انتخاب بازرس قانونی اصلی و بازرس علی‌البدل شرکت.
۴. تعیین روزنامهی کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های مربوط به شرکت.
۵. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور می‌باشد.
**من...التوفیق هیات‌مدیره**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان (سهامی عام) (نوبت دوم)**
با توجه به عدم حصول حد نصاب لازم جهت رسمیت جلسهی مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العادهی صاحبان سهام شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان (سهامی عام) در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۲۴، به استناد حکم مادهی ۸۷ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مجمع مذکور برای نوبت‌دوم رأس ساعت ۱۵ روز شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۹۹ به‌نشانی تهران: میدان تجریش، ابتدای خیابان ولی عصر، جنب بانک سپه، ساختمان اداری سرشار، طبقه یک، واحد ۴۱ تشکیل خواهد شد.
بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نامیاندگان قانونی آن‌ها دعوت می‌شود طبق مادهی ۲۲ اساسنامه برای دریافت کارت ورودی اقدام و در اجرای برنامهی مجمع به شرح ذیل شرکت فرمایند.
**دستور کار مجمع:**
۱. استماع گزارش هیات‌مدیره و بازرس قانونی شرکت.
۲. بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۵.
۳. انتخاب بازرس قانونی اصلی و بازرس علی‌البدل شرکت.
۴. تعیین روزنامهی کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های مربوط به شرکت.
۵. سایر مواردی که در صلاحیت مجمع مذکور می‌باشد.
**من...التوفیق هیات‌مدیره**

هيات مديره

# آگهی مناقصه عمومی یک مورد

تاریخ: ۲۱/۰۳/۱۳۹۹

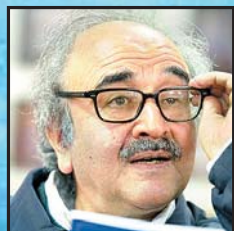
شرکت آب و فاضلاب خراسان جنوبی  
شرکت آب و فاضلاب خراسان جنوبی در نظر دارد پروژه عملیات اجرایی آب رسانی و شبکه توزیع آب را به شرح زیر

| ردیف | مشخصات پروژه   |
|------|--|
| ۱    | <p>عملیات لوله گذاری با لوله های پلیان به افکار: ۹۰/۱۱۰/۱۶۰۰ متر- نصب باصالات (الکروپوز) به تیر به طول ۲۳۰، ۱۱۰، ۱۵۰، ۱۲۵ متر- نصب باصالات، متقارن و غیر آلات مطابق با مشخصات اجرائی- ساخت آرایش جوشه اجری- خرید باصالات و متقارن مطابق با مشخصات اجرائی</p> <p>تعیین پیمانکار و ابعاد اجرای درخت سروی: یک جود جهت اتمام آدماگی و ساخت اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد و هزینه ها کمتر به مدت ۱۶ روز پس از تاریخ انتشار آگهی به سایت ملی مناقصات سایت آب و فاضلاب استان خراسان جنوبی و سایت معاملات شرکت پهنشانی آفای گرامر کشور مهلت پایان ذکر اتمام بلایخ به فراخوان هیئت توجه برای پیستنداده دهه ذکر است</p> <p>توضیحات ضروری:</p> <p>۱- مهلت ارسال اسناد ارزیابی و درخواسته ۱۳۹۹/۰۲/۲۱ و زمان گشایش اسناد ارزیابی و پیشنهادها تا بعد از اتمام عملیات و دریافت اسناد و هزینه ها کمتر به مدت ۱۶ روز پس از تاریخ انتشار آگهی به سایت ملی مناقصات سایت آب و فاضلاب استان خراسان جنوبی و سایت معاملات شرکت پهنشانی آفای گرامر کشور مهلت پایان ذکر اتمام بلایخ به فراخوان هیئت توجه برای پیستنداده دهه ذکر است</p> <p>۲- مهلت اجراء: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳- مهلت تکمیل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۴۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۵۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۶۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۷۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۸۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۹۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۰۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۱۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۲۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۳۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۴۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۵۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۶۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۷۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۸۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۱۹۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۰۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۱۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۲۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۳۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۴۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۵۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۶۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۷۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۸۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۲۹۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۰۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۱۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۲۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۳۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۴۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۵۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۲- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۳- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۴- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۵- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۶- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۷- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۸- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۶۹- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۷۰- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۷۱- مهلت تحویل: ۱۳۹۹/۰۳/۲۱ ۳۷۲</p> |









# جاودان خَرَد

درستایشِ حکیم فردوسی



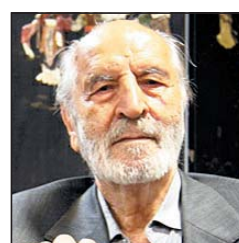
شماره فرهنگی روزنامه اطلاعات  
چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹  
سال نود و چهارم - شماره ۲۷۵۷۷



سیر تحول  
مفهوم علم  
۳



یادی از استاد  
احمد بهمنیار کرمانی  
۴ و ۵



استاد صوتی و  
هنر مشبك كاری  
۷





## گفتگویی با فیلسوف معاصر پروفیسور مارتا نوسبام درباره شرایط جهان در عصر کرونا و آنچه پیش‌اروی بشریت است

# چشم‌اندازهای فردا...

این بیماری عالم‌گیر فرصت بزرگی است برای این که زندگی خود را به روی واقعیت‌های زندگی دیگران بگشاییم. مارتا نوسبام، فیلسوف آمریکایی و یکی از معتبرترین و مهم‌ترین اندیشمندان معاصر دنیا، ما را به این کار دعوت می‌کند.

او در شیکاگو است، در بحبوحه‌ی ویروس کرونا، تنها در روز جمعه ۳۱۳۷ مورد ابتلای جدید و ۱۰۵ مرگ تازه در ایالت ایلینوی ثبت شد که رقم کل مرگ‌ومیر در این ایالت را به ۲۴۵۷ فقره رساند.

نوسبام می‌گوید که اکنون زمان یادگیری و یافتن راه‌حل مشکلات ناشی از کووید-۱۹ است. و فلسفه در این میان می‌تواند سهم زیادی داشته باشد. پروفیسور مارتا نوسبام که پیش از تدریس در دانشگاه شیکاگو در دانشگاه‌های هاروارد، براون و آکسفورد درس داده، در سال ۲۰۱۲ «جایزه‌ی شاهزاده‌ی استوریاس» را به دست آورده و ۶۳ دکترای افتخاری به او اهدا شده است — با شور و حرارت از اهمیت فلسفه در این دوران بحرانی سخن می‌گوید: «نوعی احساس اضطراب وجود دارد. و فلسفه اضطرابی است.» این گفتگورا هوگو آلکونادامون به تازگی از طریق اسکایپ انجام داده است.

### آلکونادا مون: آیا در واکنش به این بیماری عالم‌گیر چیزی بیش از به قول خودتان «خودشیفتگی ترس‌آلود» خواهیم دید؟

نوسبام: این خطر بزرگ وجود دارد که از دیگران دوری گزینیم زیرا ترس ما را بیش از حد دل‌مشغول جسم‌مان می‌کند و اکثر عزیزان‌مان را فقط از طریق نمایشگر رایانه می‌بینیم، و بقیه‌ی اعضای جامعه را هم اصلاً نمی‌بینیم. اما در عین حال، این بیماری عالم‌گیر فرصت بزرگی است برای این که زندگی خود را به روی واقعیت‌های زندگی دیگران بگشاییم. برای مثال، در شهر و ایالتی که در آن زندگی می‌کنم هر روز با شواهد جدیدی روبه‌رو می‌شویم مبنی بر این که تعداد آمریکایی‌های آفریقایی‌تباری که به کووید-۱۹ مبتلا می‌شوند و بر اثر آن جان می‌سپارند بسیار بیشتر از سفیدپوستان است. به نظر، کسانی که مدت‌ها شکایت‌های اقلیت‌ها از نابرابری در سلامت، مسکن یا دسترسی به تغذیه‌ی مناسب را نادیده گرفته بودند حالا به این واقعیت پی‌برده‌اند. روزنامه‌نگاری خوب به فهم این واقعیت کمک کرده است. اما حالا زمان عمل است. البته عمل کردن بیش از پیش دشوار شده چون اوضاع اقتصادی بسیار بد است. خوشبختانه شهردار و فرمانداران الگوهای خوبی بوده‌اند. من آدم‌های زیادی را می‌شناسم که سرگرم اطعام گرسنگان، کمک به کسب‌وکارها و حمایت از سازمان‌های فرهنگی و آموزشی هستند.

### اوضاع بعد از رفع این بحران را چطور پیش‌بینی می‌کنید؟

ترجیح می‌دهم که پیش‌بینی نکنم. چنین کاری نوعی بی‌مسئولیتی است. اما می‌توانم بگویم که امیدوارم کشور (ایالات متحده‌ی آمریکا) سرانجام فهمیده باشد که بدون دولت از افراد کاری برنمی‌آید و آنها نمی‌توانند مشکلات خود را به تنهایی حل کنند. در دوره‌ی «نیو دیل» (New Deal) [دهه‌ی ۱۹۳۰] آمریکایی‌ها این را فهمیدند اما بعدها آن را از یاد بردند. حالا می‌دانیم که یا با هم پیروز خواهیم شد یا با هم شکست خواهیم خورد. پس بهتر است که این را از یاد نبریم و هوشمندانه بکوشیم تا مشکلات را حل کنیم.

### در این بحران مسئولیت دولت‌ها و شهروندان چیست؟

می‌توانیم در دانشگاه‌های خود بودجه‌هایی را به تحصیل دانشجویان کشورهای در حال توسعه اختصاص دهیم تا بعدها نقش‌های مدیریتی و رهبری را در این کشورها بر عهده گیرند.

در کوتاه‌مدت، همه ما، فارغ از هر کاری، وظیفه داریم که به یکدیگر کمک کنیم: بسیاری از پزشکان بازنشسته باید به شغل خود بازگردند تا نیازهای موجود را رفع کنند؛ بسیاری از آموزگاران بازنشسته باید تدریس را از سر بگیرند؛ و البته در قبال دوستان و خویشاوندان‌مان هم وظایفی داریم. از نظر مالی هم مسئولیت‌هایی داریم: اگر جزو افراد خوش‌شانسی هستیم که استطاعت مالی داریم باید به نهادهای گرفتار، کمک کنیم.

البته راه‌حل‌های ساختاری بلندمدت نیز اهمیت دارند: نه تنها بسته‌های نجات مالی لازم خواهد بود بلکه باید سیاست کلی را هم تغییر داد. باید اطمینان یابیم که همه به اندازه‌ی کافی به بیمه‌ی بیکاری و سلامت، و کسب‌وکارهای کوچک هم به شبکه‌ی حمایتی دسترسی

دارند. بنابراین، این بحران می‌تواند زمان یادگیری و یافتن راه‌حل باشد. اکنون بر خلاف گذشته فرصت داریم که فکر کنیم، و باید از این فرصت استفاده کنیم.

### وظیفه‌ی کشورهای توسعه‌یافته در قبال فقیرترین کشورهای چیست؟

قبلاً فکر می‌کردم که ثروتمندترین کشورها باید ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به کشورهای در حال توسعه اختصاص دهند، و بدون تحمیل اولویت‌ها و خواسته‌های خود بر آنها، کنترل آن پول را بر اساس روندهای دموکراتیک به خود آن کشورها واگذار کنند. اما پس از مطالعه‌ی آثار انگوس دیتون، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد، اعتقاد به این نظریه تضعیف شد. او به لطف مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که کمک‌های خارجی به ندرت مفید و اغلب مضر است. اگر قرار است که نظام سلامت خوبی در کشور یا منطقه‌ای ایجاد شود، این امر محتاج اراده‌ی دموکراتیک مردم و سیاست‌های مناسب برای تحقق این اراده است. زیرا حتی اگر مصرف این پول با فساد همراه نباشد، وجودش اغلب شکل‌گیری اراده‌ی دموکراتیک حامی سیاست‌های خوب را تضعیف می‌کند. بنابراین، به نظر دیتون، دست‌کم در حوزه‌ی سلامت، فقط شهروندان کشور قادر به حل مشکلات آن کشورند. در حوزه‌ی آموزش به این اندازه بدبین نیستم. ما می‌توانیم از راه‌های گوناگون به زیرساخت آموزشی و انتقال دانش و فناوری کمک کنیم، و می‌توانیم در دانشگاه‌های خود بودجه‌هایی را به تحصیل دانشجویان کشورهای در حال توسعه اختصاص دهیم تا بعدها نقش‌های مدیریتی و رهبری را در این کشورها بر عهده گیرند.

### چرا فکر می‌کنید که اکنون فلسفه بیش از همیشه اهمیت دارد؟

چون فلسفه به پرسش‌های مهم می‌پردازد، پرسش‌هایی که همه برای خوب زیستن با آن مواجه‌اند: زندگی خوب چیست؟ جامعه‌ی عادلانه چگونه جامعه‌ای است؟ اکنون سرگرم تدریس درسی با عنوان «عواطف، عقل و قانون» برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترای حقوق هستم، و این گروه بیش از همه‌ی گروه‌های قبلی به این مسائل اهمیت می‌دهند. نوعی احساس اضطراب وجود دارد، و فلسفه اضطرابی است. این پرسش‌ها هیچ‌وقت دست از سرمان برنمی‌دارند، و اگر به آنها توجه نکنیم و به آنها نپردازیم — خواه در کلاس یا از طریق مطالعه‌ی گروهی یا فردی — به احتمال زیاد سرسری و بدون تأمل و درنگ لازم به آنها پاسخ خواهیم داد.

علاوه بر این، فلسفه مایه‌ی سرگرمی است! مطرح کردن پرسش‌های بزرگ و بحث کردن درباره‌ی آنها برانگیزنده است. یکی از همکارانم با تعدادی از دانشجویان، آن هم نه تنها دانشجویان فلسفه، گروهی تشکیل داده است و نیمه‌شب‌ها درباره‌ی پرسش‌های مهم بحث‌های خودمانی به راه می‌اندازند. نام این گروه «بخدهای شب» است و همیشه دو گرداننده دارد: همکارم و یک مهمان. معمولاً ۲۵۰ دانشجو فقط به عشق این پرسش‌ها در بحث شرکت می‌کنند، بحثی که همیشه منحصربه‌فرد و پیش‌بینی‌ناپذیر است. این بسیار ارزشمند است. فلسفه نباید به دانشگاه‌ها محدود باشد. تعداد بی‌نهایت زیادی از آدم‌ها وقتی استخدام و سرگرم کار می‌شوند دیگر هیچ ارتباطی با مسائل مهم ندارند.

## نغمه‌هایی برای نجات زمین

• دکتر ابراهیم جعفری

### آنجا که سخن از گفتن بازمی‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود. «بتپه‌وون»

موسیقی اثرگذارترین هنری است که می‌تواند دغدغه‌های محیط‌زیست را به عموم مردم منتقل کند. به عبارتی این هنر قادر به افزایش فهم بوم شناختی و درک زیست‌محیطی شهروندان می‌باشد. در ایران گروه‌های موسیقی وارد این حوزه شده‌اند و از قابلیت‌های آن برای برجسته‌سازی مشکلات زیست‌محیطی و ایجاد حساسیت در افکارعمومی استفاده می‌کنند. از جمله آن‌ها فعالیت دو برادر خوانساری است که در نقاط مختلف تهران از جمله حوالی میدان فردوسی و خیابان ولی عصر و ... به هنرنمایی می‌پردازند.

وقتی نغمه سازشان بلند می‌شود، رهگذران با دیدن دو جوان کلاه به سر که نوایی دلنشین را از حنجره دسته جاروی چوبی و آگروز کهنه و زنگ‌زده بیرون می‌آورند، می‌خکوب می‌شوند. سینا و ایمان درستی، دو هنرمند دوستدار محیط‌زیست هستند که با زبان موسیقی و شیوه‌ای متفاوت، زنگ خطر نابودی زمین را برای پایتخت‌نشینان به صدا درآورده‌اند.

صدای جذاب ویلن از سرعت اتومبیل‌ها می‌کاهد تا خودرونشینان هم فرصت لذت از آن را به دست آورند. دقایقی بعد موسیقی به آرامی تمام می‌شود و این بار صدای تشویق عابران به گوش می‌رسد. ایمان، مانند هنرمندان روی سکوی صحنه، تعظیم می‌کند. سینا هم کمی جلو می‌آید و به نشانه تشکر و احترام خم می‌شود و به عکس‌های بزرگ و کوچکی از پاکبانان شهر و طبیعت تهران که در اطراف بساط شان خود نمایی می‌کنند، اشاره می‌نماید.

یک راننده تاکسی که در روز چند مرتبه گذرش به میدان فردوسی می‌افتد، می‌گوید: «کارشان واقعا عالی است. این طور خلأقیت‌ها نیاز به حامی دارد. باورتان نمی‌شود، ولی گاهی مسافران با شنیدن صدای موسیقی این دو پسر جوان، از من تقاضا می‌کنند کمی آهسته‌تر بروم تا فرصت بیشتری برای لذت بردن داشته باشند.»

ایمان و سینا درستی، کلاه‌های لبه‌دار قرمز روی سر می‌گذارند و بلوزهای نخ‌ی سفید می‌پوشند. روی بلوز آنان تصویر پاکبانی در حال جارو زدن چاپ شده و زیر تصویر، عبارت «نغمه‌ساز من، زمینی بدون زباله» نوشته شده است. پرچم ۳ رنگ ایران، طرح تصویری مشترک بلوزهای ایمان و سیناست. شعارهای نقش‌بسته بر لباس سینا با ساز او هماهنگی دارد و ترسیم تصویری از یک خودرو دودزا، علامت ممنوعیت تردد خودرو تک‌سرنشین است. شعار «نوی‌ساز من، آسمانی بدون دود»، بلوز سفید رنگ او را به کتابچه آموزشی سیار تبدیل کرده است. ایمان و سینا با همین پوشش و شکل و شمایل در میدان‌ها و خیابان‌های تهران می‌نوازند.

ایمان می‌گوید: «در گذشته مانند نوازنده‌های دیگر برای نواختن موسیقی از ویولن استفاده می‌کردم؛ اما در محله‌ها و بوستان‌های مختلفی که برای اجرای برنامه می‌رفتم، می‌دیدم که بسیاری از افراد به پاکیزگی محیط‌زیست توجهی ندارند؛ به گونه‌ای که بعد از رفتن‌شان، محل به یک سطل زباله بزرگ تبدیل می‌شد. با مشاهده این وضعیت به فکر افتادم تا با یک ابتکار مردم را به حفظ محیط‌زیست دعوت کنم.»

این هنرمند تعریف می‌کند: «یک سال طول کشید تا از دسته جارو و آگروز خودرو، ویولن بسازیم. من و سینا روزها به نوازندگی در گوشه و کنار شهر مشغول بودیم و شب‌ها تا صبح روی آگروز و دسته جارو خرک، گوشی، گریف و سیم وصل می‌کردیم. کار آسانی نبود و به سادگی صدایشان در نمی‌آمد. من ۲۰ جارو را خراب کردم تا توانستم این «جارولن» را بسازم.» او می‌گوید هیچ عاملی از گرمای طاقت فرسای تابستان گرفته تا سرمای استخوان‌سوز زمستان، مانع نوازندگی‌شان برای سرزندگی طبیعت نشده است. موسیقی زبان همه انسان‌هاست. ما می‌نوازیم تا هم دیگران لذت ببرند و هم توجه‌شان را به طبیعت از نفس افتاده تهران جلب کنیم. طبیعتی که با برج و باروهای فلزی و سازه‌های شیشه‌ای تباه شده و به اضمحلال می‌رود.

ایمان برای شاگردی نزد استاد «حسین سروری» و «همایون خرم» سال‌ها در مسیر خوانسار تا گلپایگان و تهران بوده و هنری را که به زحمت آموخته، بی‌دریغ به سینای نوجوان آموزش داده است. ایمان و سینا جارو و آگروز ویولنی سنگین خود را مانند ویولن‌هایی سبک و خوش‌دست زیر چانه می‌زنند و هم‌نوازی می‌کنند تا شهروندان را از خطراتی که زیست بوم‌شان را تهدید می‌کند، آگاه ساخته و حساسیت آنان را برانگیزند.

در هفته «محیط زیست» فاجعه آتش سوزی جنگل‌های زاگرس پیش روی ماست. اینجانب هرگز اشک‌هایی را که از چشمان دکتراسماعیل کهرم فعال محیط زیست در یک برنامه تلویزیونی به دلیل از بین رفتن گونه‌های متعدد جانوری، گیاهی و حشرات سرازیر می‌شد، از یاد نمی‌برم.

به امید روزی که دولت و شهروندان ایرانی چشمان خود را بشویند و طبیعت را جوهر دیگر ببینند.





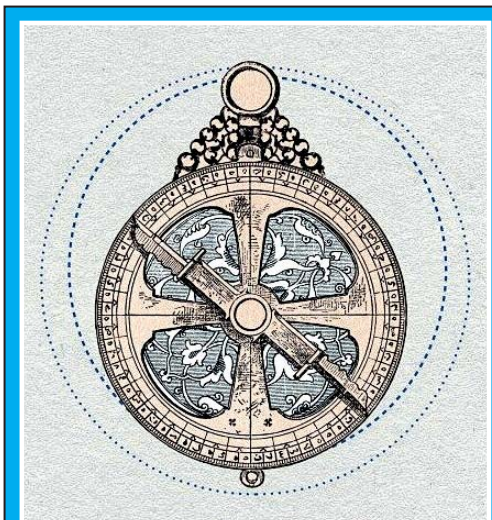
بماند که، همه جا مشکل دارند و مشکلاتی مثل کرونا، نقطه ضعف ها را بیشتر روشن می کند. مهم حل مشکلات است. و بیفزایم، اگر ما هم کنترل کرده ایم، تا اندازه ای که حالا اتفاق افتاده، در چارچوب همین نظام پزشکی است که از غرب آمده است. طب سنتی و افکار بومی کمکی در این زمینه به ما نکرده، و یک نفر هم که رفت کمک کند، دادگاه ویژه

او را دستگیر کرد! البته که غرب هم برای این مشکل، دارو درمانی ندارد، مقصودم نظام درمانی و پروتکل های درمانی است که در دنیای جدید تعریف شده است. اگر ما یادمان رفته که این حرفها را از کی گرفته ایم، می شود به تاریخ مراجعه کرد و تاریخ دارالفنون را خواند. حافظه ما کمی خراب شده است. طبای سنتی امروز ما حتی به اندازه طبیبان قدیم هم سواد ندارند. دیده اید که هر بچه ای مغازه عطاری می زند و انواع و اقسام داروها را می دهد، یا صفحه ای در اینستا باز می کند و در باره علوفه جات، نطق کرده، خواص آنها را بیان می کند. آن وقت، بهترین بچه های با استعداد ما، هفت سال درس می خوانند تا پزشک عمومی شوند. آیا اینها به آن جماعت نمی خندند؟

**۱۳. سوال من این است، با توجه به ظاهر، آیا کالبد نظام سیاسی و اداری ما دارای باور به علوم جدید و اصولاً معتقد به نظام اجرایی هست؟ اگر هست چگونه توضیح می فرمایید و اگر نیست راه چاره چیست؟**

من روشن خدمت شما عرض کنم؛ جامعه ما، از چند قرن پیش تاکنون، در مسیری حرکت کرده است که این مسیر ضد علم بوده است. این را باید به تفصیل صحبت کنیم. همیشه دنبال جایگزین علم بوده و چهل را بر دانایی ترجیح داده است. حداکثر کاری که کرده و با منت هم، این که ما البته علم را هم قبول داریم! اما در عمل، به طور عمیق به این مطلب باور نداشته است. به شما این را عرض کنم، دلسوز زیاد بوده، و برای تشویق به علم خیلی کار شده، اما اشکال این است که نهادهای شدن اصل علم خواهی در یک جامعه ای مثل جامعه ما، به توصیه نیست. به ایجاد نوعی صبرورت به این سمت و سو است. چگونه بدست می آید، واقعاً نمی دانم.

من فقط می توانم نشانه های بی توجهی به علم را از روی شواهد بیان کنم. اما فرض کنید من این کار را هم نکنم، آیا شما با وضعی که داریم، باورتان می شود که ما طرفدار علم هستیم؟ ما در این سی چهل سال، میلیون میلیون به دانشجویانمان افزوده ایم، اما هیچ به علم بهایی نداده ایم. اگر بگویم نود درصد اینها مدرکی می گیرند که جز افزایش حقوق و پرستیژ به هیچ کارشان نمی آید، آیا شما در این تردید می کنید؟ صدها هزار دانشجوی در علوم انسانی و اجتماعی و دینی داریم، که در رساله ها و پایان نامه های خود، هیچ گرهی از کار علم نمی گشایند و الا الان ما باید به عرش رسیده بودیم، بنده نه تنها معتقدم که نظام اجتماعی و علمی و شناختی ما به علم جدید باور ندارد، بلکه معتقدم ضد آن است. اگر همین مقدار قدرت سیاسی هم جانبداری از علم نمی کرد، این مردم، ریشه علم را می کنند. باورهای ضد علمی آنها، بسیار بسیار فراتر از آن چیزی است که ما بتوانیم اندازه بگیریم. بدنه این جامعه هم به نصیحت نیست، در تمام این صد سال گذشته، می توانم نشان دهم که چه قدر روی علم تأکید شده است، اما وقتی می گویند، نرود میخ آهنین در سنگ، یعنی همین.



**گفتگوی با دکتر رسول جعفریان درباره جایگاه «علم» در دانشگاه، حوزه و جامعه کنونی ایران**

## سیر تحول مفهوم علم

بخش چهارم

باشد خیلی عقب است، اما نسبت به آن چیزی که بوده، بسیار جلوتر رفته است. علم همیشه نیاز به پیشرفت دارد. همچنان بسیاری از مسائل عالم لاینحل مانده است. اما تفاوت جهان جدید و قدیم در این است که به قول دکتر داوری، حالا در این تمدن جدید، علم ریاضی میناست. در گذشته، حرف مفت زیاد بود و هزاران سال بشر بدون تحول گذشت. علم جدید بیش از همیشه آماده حل مشکلات خودش هست، و بی خود آدم های درمانده و عقب افتاده فکر کنند فاتحه غرب خوانده خواهد شد و آنها بدون زحمت و بدون گذراندن یک دوره طولانی برای کسب علم و انجام تحقیقات می توانند سوار بر عالم شوند. رهبران سیاسی ما بهتر می دانند که چهل سال است می خواهند یک موشک درست کنند که دقیق باشد. میلیاردها هزینه کرده اند تا به این نقطه رسیده اند. بقیه علوم هم همین است. آنها بهتر از بقیه می دانند پیشرفت امری هزینه بر است و مُت بدست نمی آید. اما عده ای تا یک موتور هواپیمای غربی ها خراب می شود، فکر می کنند عالم آخر شده و زوال دولت آنها رسیده است.

اینها خیال خام است. وقتی از کرونا ی ایرانی صحبت می کنند، موجودی نرم و ملایم و لطیف اما بد است، اما کرونا ی آمریکایی ها، یک غول بی شاخ و دم است که عنقریب آنجا را نابود خواهد کرد. این دفاع از «غرب فاسد» نیست، این دفاع از علم و تحقیق و صداقت است. و اما این که در ماجرا کرونا، هیبت غرب شکسته شد، من یک نکته ای را عرض بکنم. اولاً هیچ کجا - غرب باشد یا شرق - اوضاع بی اشکال نیست. ثانیاً، هر روز نوبت یک کسی است و نباید وقتی نوبت دوست اوست، زیاد شادی کند. ثالثاً، عجله کردن کار شیطان است. و رابعاً این که، اگر مقصودتان از سقوط هیبت غرب، بر اساس اخبار و نوع خبر گفتن صد و سیماست، حق دارید. اما اگر واقعیت را می خواهید، اندکی صبر کنید تا اوضاع روشن تر شود.

## ۱۱. آیا شما تفاوتی میان طب سنتی با طب اسلامی قائل هستید؟ و اگر هستید، کدام را علمی تر و قابل اعتنا تر می دانید؟

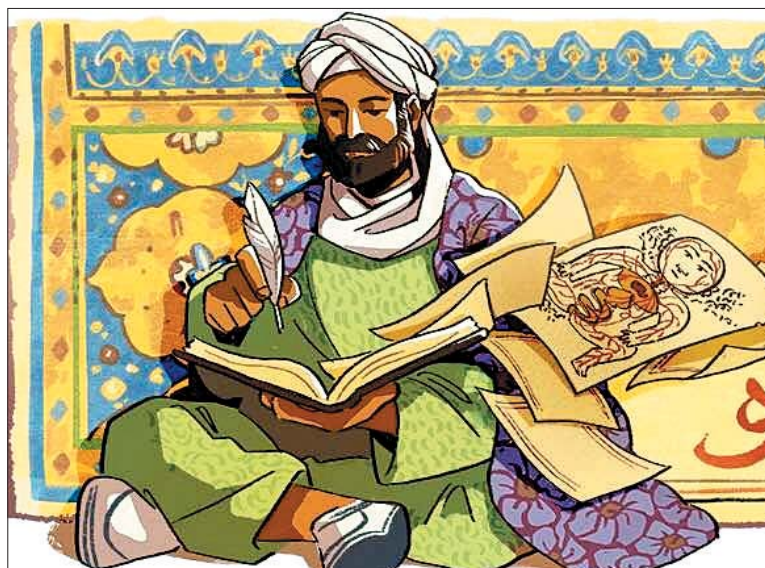
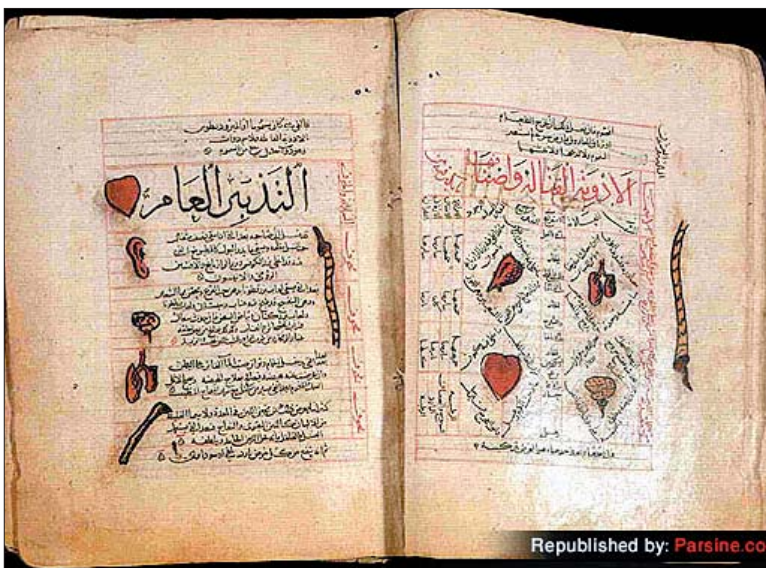
میان طب سنتی و اسلامی، به نوعی رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است. یعنی هر کدام یک بخش مشترک و بخش مستقل دارند. اما طبیعی تر این است که بگوییم، طب اسلامی متکی به روایات منسوب به معصومین (ع) است، اما طب سنتی، قاعده اش این است که مبتنی بر کتابهای قدیمی در طب مثل تحفه حکیم مومن و دیگر متن های کهن از آثار ابن سینا و دیگران باشد، آثاری که مبتنی بر طب یونانی و همین طور ماده شناسی یونانی یعنی آب و باد و خاک و آتش و نظریه طبع است. هر کدام به یک دلیل بی اعتبارند. احادیث اندکی که هست، نه از نظر سند درست است و نه متن و محتوای آنها غالباً مورد تأیید نظام دانشگاهی جدید است.

طبیعی است که در حوزه طب، نمی توان به احادیثی که مشکل سند و متن دارند، استناد کرد. علاوه بر این که اساساً، و از اصل، قبول نداریم که دین در امور پزشکی - نه اخلاق یا مسائل حقوقی آن - نظر دارد. طب سنتی را لازم نیست ما نظری بدهیم. دنیا مسیر پزشکی دیگری را از چند صد سال قبل انتخاب کرده و طب سنتی را کنار گذاشته است. اما روشن است که بخشی از آن، که جنبه آرامش بخش دارد، و بخشی را که بتواند ثابت کرد داروهایش از نظر علمی سودمند است، می توان داشت. در واقع، طب جدید و قدیم ندارد، طب یک اساس علمی باید داشته باشد. بخشی از آن هم هنوز نتوان در حل مسائل است و ممکن است در آینده نزدیک یا دور مشکلاتش را حل کند. شاید در آینده پزشکی نوینی بیاید که از بنیاد با آنچه هست، متفاوت و پیشرفته تر باشد. اما علم، همین مسیری را می رود که الحال می رود. باید تلاش کرد بهتر و دقیق تر شود.

**۱۲. این روزها کرونا آمده و همه نظام زندگی عالم را بر هم زده است. در دوره ای که بشر تاریخ را می داند، اوضاع به این شکل در نیامده بود. همین امر سبب شده است تا حدس های زیادی اولاً در باره تغییرات تمدنی در غرب زده شود، و ثانیاً در باره علم، گمان های منفی شایع گردد و در نهایت، با بحث های ظهور، تصویر جدیدی از عالم داده شود. ما تصویری از غرب داشتیم که با کرونا شکسته شد. نگاه و تحلیل شما چیست؟**

بنده هیچ وقت نمی توانم و جرأت نمی کنم، اظهار نظرهای همه جانبه و بلندپروازانه داشته باشم. اما چند توصیه برای خودم و دیگران دارم. یکی این که برخی هول نشوند و عجولانه اظهار نظر نکنند خیلی هم گوش به این رسانه ملی ندهند. البته که کرونا حادثه بزرگی بوده، اما این که عده ای فرصت طلب هستند که تا اوضاع تیره و تاری می شود بحث ظهور و تغییرات شگرف این چنینی را مطرح می کنند، این را خیلی جدی نمی گیرم. به همین سبک، عده ای هستند که سالهاست، فکر می کنند غرب در حال انحلال است. اشیانگر صد و اندی سال قبل از انحطاط غرب گفت و اتفاقاً جنگهای اول و دوم چنان بلایی سر اروپا آورد که همه فکر کردند آن انحطاط به معنای واقعی رخ داده است. به عکس، اوضاع برگشت. مارکسیسم که موعود انقلابیون غربی در آلمان و نقاط دیگر بود، شکست خورد و غرب دوباره سرپا ایستاد. این واقعیت است، تعریف نیست. از نظر من، خدای متعال، یک قواعدی و سنت هایی برای انحلال امت ها دارد که با توانایی های آنها و رعایت موازین اخلاقی - انسانی، متناسب است.

از نظر دینی می توانیم بگوییم اینها سبب انحلال و جانشین شدن قوم دیگر به جای قوم قبلی است، اما این که الان این طور شده است یا نه محل تردید است. با این مطالب، پیشگویی نمی شود کرد. اما زیر سوال بردن توانایی ها علمی، باید عرض کنم، علم نسبت به آن چیزی که باید





## یادنامه

عرض و طول فرهنگ هر قوم، از آثار پیچیده و فاخر نخبگان تاداد و حکمت عامهٔ و لطایف و حتی خرافات موجود در یک جامعه را در بر می‌گیرد در گذشته، به این بخش اخیر اهمیت کمتری داده می‌شد و تصور غالب این بود که تصویر فرهنگ را تنها می‌توان در کتب بزرگان دانش و اعاضلم فرهنگ و ادب قوم دید. اندک بودند کسانی که متوجه اهمیت و ژرفای فرهنگ عامه شده، و از طریق آن به نهانی‌ترین خاستگاه‌های اخلاق و باورها و عقاید و اسطوره‌ها و حکمت برخی مناسبات اجتماعی در میان مردم پی‌برده بودند. جهان کهن، فرهنگ را نخبه‌گرا و صدرنشین می‌پنداشت و منزّه‌تر از آن می‌دانست که به حکمت و زبان و باور عوام آغشته شود. تنها اندکی از حکیمان و دانشوران بزرگ بودند که با عقل پنهان در این امور و مفاهیم مضمر و ارزش بی‌حد و حصر آن را دریافته و حتی فراتر رفتند و منزلت زیبایی‌شناسانهٔ آن را نیز پذیرفتند و کوشیدند به دیگران بیاموزند.

امروزه ما می‌دانیم که بخش مهمی از غنای شکلی و محتوایی غزل‌های خواجه حافظ یا کلیات آثار شیخ سعدی یا تمثیلات حضرت مولانا جلال‌الدین، وامدار زبان و باورها و مفاهیم معتبر در کوچه و بازار و قوام یافته در میان تودهٔ گمنام مردمان فارسی‌زبان است. محققان و ادیب‌پژوهان در این باب رساله‌ها نوشته و پژوهش‌ها کرده‌اند و کم و بیش ما نیز از آن آگاهییم، اما برخی ادبا و حکمای خردمند ما، که در صدر ایشان حضرت مولانا عبید زاکانی قرار دارد، در همان دورانی که کُرمهٔ قلم بزرگانی همچون شیخ اجل و خواجه شیراز و مادی روم، رشک سروش فرشتگان بود، خود را یکسره وقف فرهنگ عامه کرده و از ذخیرهٔ بی‌پایان این فرهنگ خطی وافر رده و به خوانندگان تازهٔ افقر ارزانی فرمودند. البته مولانا عبید، بر جنبه‌های انتقادی و افشاگرانه‌ای که در کنایات و لطایف عوام بود، تأکید بیشتری داشت و از این جنبه، آثار یگانه و بی‌مانند خود را تدوین فرمود. اما نبوغ و درک بی‌مانند مردی چون او بود که نسخهٔ مکتوب لطایف و برخی باورها و جستارهای ارجمندی از ادب عامه را برای ما باقی نهاد و هنوز که هنوز است و تا زبان پارسی و فرهنگ ایرانی برجاست، این مکتوبات یا رسالت گرامی نیز خوانده خواهد شد.

باری، به رغم نفوذ و وسعت این آثار، همان‌گونه که گفتیم، گذشتگان ما آن را جدی و در زمرهٔ علوم و منابع ارجمند تحقیق قلمداد نمی‌کردند. غالباً در حاشیه و جهت تفتن و تفریح خاطر به کار می‌آمد و عمدتاً بر جنبهٔ طنز و کیمیک یا بهرهٔ هجو و هزل به کار گرفته می‌شد. اغلبی از شعرای بزرگ ما، در قصاید و اشعار موسوم به اخوانیات یا در حکایاتی که در قالب قلمه سروده می‌شد و برخی دیگر از صورت‌های شعر کلاسیک پارسی، به سراغ این گونه مسائل رفته و طبعاً لطایف و طنزها و کنایات ظریف و حتی دشنام‌ها و بددهنی‌های مرسوم و مکتوم نیز در اینجا مجال طرح می‌یافت. تنها برای دوستان و محافل خوندنی هم نبوده، به رسم خصوصت نیز هزل و هجو و تفهاهی بسیار سروده و در تمهتۀ دواوین شعرا یا دیگر آثار بزرگان ادب و فرهنگ ایران ضمیمه شده‌است. از مهستی گنججوی و برخی شعرای اولین تا ادیبان شاعران مکتب عراقی، تا سرایندگان سبک وقوع و مکتب هندی و عصر بازگشت و رستاخیز تا این زمان؛ بر حجم و کمیت این نوع آثار دائماً افزوده شده و تجلیات مختلفی از این ژانر ادبی پدید آمده‌است.

خوشبختانه در دوران ما، جمعی از استادان و ادب‌دانان برجسته و نکته‌سنج، پژوهش‌های ارزشمند و مهمی در این عرصه‌ها انجام داده و دیگر مثل سابق، دست ما کاملاً خالی نیست. تصور می‌کنم از اواخر عهد قاجار و در دوران سلطنت ناصرالدین شاه بود که تعدادی از زندگان فکر و فرهنگ، متوجه اهمیت فرهنگ عامه یا فولکلور شدند و برای ثبت و ضبط آن آستین‌بالا زدند. بی‌گمان در راس این گروه ستاره درخشان ادب ایران، میرزا حبیب اصفهانی، روشنفکر و نثرنویس تپیدید ایران در آستانه‌ای بود که با دقت و در عین حال وسواسی پژوهشگرانه، نخستین آثار انتقادی در عرصه ادب عامه ضبط و ثبت کرد. حیطهٔ کارش وسیع و کیفیت آثارش ضعیف و متناسب با وضع فرهنگی عصر جدید بود. او دو رمان پیکارسک انگلیسی و فرانسوی به نامهای «سرگذشت زیل بالاس» اثر آلن رنه لوساژ و «سرگذشت حاجی بابای اصفهانی» به قلم جیمز موریه را به نثر یگانه و خیره‌کننده پارسی برگرداند. میرزا حبیب در این دو اثر، فرهنگنامه‌ای از زبان عامه و صحنه‌هایی از زندگی مردم کوچه و بازار و صفحاتی از عادات و تمایلات ایشان و توصیفاتی از وضع شهرها و اجزای زندگی و سرانجام گنجینه‌ای از تمثیلات و ضرب‌المثل‌ها و کنایات و استعارها و تکیه کلام‌های عامه مردم را گنجاند. اما کار او منحصر به این نبود. او درباره مسائل مربوط به واژگان و دستور و ساختار زبان پارسی هم کوشش‌ها کرد. نخستین دستوروزبان پارسی را نوشت و اصطلاح دستور را به جای نحو عربی و گرامر فرنگی را جا انداخت. میرزا حبیب برخی تلخیص‌ها هم از آثار مهم ادبی انجام داده و مهم‌تر از این‌ها، او نخستین تصحیح‌های انتقادی و امروزی از چند اثر ادب عامه انجام داد. از جمله تصحیح و انتشار دیوان نظام فارسی (موسوم به البسه) و دیوان ملاّسحاق شیرازی (متخلص به اطعمه) که هر دو فرهنگنامه‌های ارزشمندی از ذخیره ادب مردمی است که خالی از طنز و لطایف ظریف هم نیست. به هر جهت تردید نباید کرد که جناب میرزا حبیب، سلسله جنیان این جریان در روزگار ما بوده و تحت تأثیر او، افراد دیگری مثل محمد مقدم و سیدمحمدعلی جمالزاده نیز شروع به نگارش نثرهای مرسل و متکی به ارزش زبان عامه می‌نمایند. مرحوم استاد جمالزاده که به درستی پدر قصه نویسی نوین ایران نام گرفته، اندکی پس از میرزا حبیب شروع به کار کرد. او قصه‌های زیبایی نوشت که سرشار از مثل‌ها و مثل‌ها و تکیه کلام‌های توده‌های فرودست مردم بود. «یکی بود یکی نبود»، «فارسی شکر است»، «دارالمجانین»، «کباب غاز»، «صحرای

محشر» و تعداد پرشماری از این آثار،میراث قلم این مرد بزرگوار و این عاشق ایران زمین است. قبلاً میرزا حبیب اصفهانی، در پایان دواوین اطعمه و البسه و آثار دیگر، فرهنگی از اصطلاحات عامه گردآورده و قصد داشت فرهنگنامه مجزایی از آن‌ها به دست دهد، اما ظاهراً موفق نشد. جمالزاده این کار را کرد و فرهنگی از گویش و مثل‌ها و عبارات و اصطلاحات را از تداول روزمره استخراج و ثبت کرد. کتاب مهمی هم به نام «خلقیات ما ایرانیان» نوشت که واکنش‌های مثبت و منفی فراوانی برانگیخت. لذا باید میرزا حبیب و جمالزاده را پیشگامان توجه و تحقیق در فرهنگ عامه قلمداد کرد.

اندکی پس از آن، و شاید مقارن جمالزاده، تحقیقات ژرف‌تری در ادب عامه از سوی نایبه داستان‌نویسی ایران، صادق هدایت انجام گرفت که فقط جنبه گردآوری و ثبت نداشت، بلکه بر نگاه نقاد و تحلیل‌گری شکل گرفته بود که با هدف کاوش در لایه‌های عمیق فهم اجتماعی و برقراری پیوند با روح قومی و فرهنگی توده مردم تلاوم می‌یافت. در کنار هدایت استاد نامدار ادب و زبان پارسی، علامه علی‌اکبر دهخدا نیز فرهنگ‌نامه کم‌نظیر خود به نام «مثال و حکم» را تألیف و تکمیل می‌فرمود. اثری درخشان و عالی که بعدها به کوشش دانشور فقید استاد دکتر محمدمعین تکمیل و منتشر شد و یکی از مهم‌ترین منابع مطالعات مربوط به زبان و فرهنگ عامه را در ایران قلمداد شد. از پی ادب‌دانشوران، داستان‌نویسان، ادیبان، محققان و کوشش‌گران زیادی ظهور کرده و هر یک گوشه‌ای از کار را گرفتند که مرحوم استاد انجوی شیرازی، مرحوم استاد احمد شاملو، دکتر جابر عناصری، استاد احمد مجاهد و تعداد زیادی از دانایان فرهنگ ایران به این موضوع توجه نشان دادند و آثار مهم و مفیدی بر جای نهادند. یکی از استادان دانشوری که به این موضوع علاقه نشان داد و اثری جالب و خواندنی تألیف کرد، مرحوم استاد احمد بهمنیار، آموزگار شهید و پژوهشگر فهیم اوایل سه دهه‌شدیدی کنونی است.

**شرح احوال**

برابر ه زندگی و نسب و حسب و مشاغل و فعالیت‌های علمی بهمنیار، یا به عنوان روزگار جوانی: میرزا احمد دهقان، خوشبختانه منابع موقت و مفیدی در دسترس است. وی در روز نهم بهمن ماه ۱۲۶۲ خورشیدی، برابر با بیست و نهم ربیع‌الاول سال ۱۲۰۱ قمری در کرمان زاده شد. پدر و بستگان پدری و نیاکانش، وابستگی و دلبستگی به مسلک شیخیه داشتند و از نزدیکان میرزا محمدخان و محمدرکیم خان کرمانی، پیشوایان این طریقت بودند. احمد بهمنیار در زادگاهش تحصیل کرد و نزد آقا میرزاحسن کوهپایانی و ملاغلامرضا رباطی علوم مقدماتی را آموخت. پدرش آقامحمدعلی و برادر بزرگ‌ترش آقا محمدجواد که هر دو به «معلم» معروف بودند، آموزش صرف و نحو و دیگر علوم متعارف را به احمد عهددار شدند. اما عمر پدر چندان دیر نپایید و از آنجا که فرزند بسیار کوشا و باهوش بود، به سرعت ترقی کرد و در سن ۱۶ سالگی صاحب کرسی تدریس شد. اندکی بعد در سن ۱۸ سالگی، نه فقط تدریس می‌کرد، بلکه نظامت و ادارهٔ مدرسهٔ ابراهیمیّه (مدرسهٔ علمیهٔ و سعادت سال‌های بعد) را نیز به عهده گرفت. علاقش به تعلیم و تدریس چنان بود که بعداً همت کرد و خود مدرسه‌ای به نام اسلامیّه (یا عمادیه در سال‌های پسین) تأسیس نمود.

این گرایش‌ها و فعالیت‌ها در وجود او، حاصل و محصول نوعی تجذّخواهی و میل به ترقی بود. طبع شعر قوی داشت و از جوانی با تخلص «دهقان» شعر می‌سرود. به تدریج شور جوانی و افکار آزادی‌خواهانه، پایش را به محافل سیاسی و صفحات روزنامه‌ها باز کرد و همراه دیگر آزادی‌خواهان کرمان به فعالیت در شاخهٔ حزب دموکرات در آن منطقه پرداخت. سواد و اشتیاق و اعتمادی که در او دیده می‌شد، تأثیرش را بر اطرافیان می‌افزود. در سال ۱۲۸۹ هـ. ش روزنامه‌ای به نام دهقان راه انداخت که ناشر افکار و اشعار انقلابی و آزادی‌خواهانه بود. امّا فضای واپس‌گرا و استبدادزدهٔ محلی، تساهلی نشان نمی‌داد پنج سال پس از آن، احمد و گروهی از هم مسلکان و دوستان حزبی‌اش بازداشت و به حبس در ارگ کریمخان

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات



چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۵۷۷

در شیراز گسیل شدند. بیش از چهارده ماه در این زندان بود، امّا بی‌کار ننشست. در مجلس زبان ترکی استانبولی را آموخت و معروف است که قصیدهٔ شکواییه‌ای زیبا سرود که بعدها بسیار خوانده و از سوی برخی ادبای بزرگ تحسین شد. ابیاتی از چکامهٔ غم گرفته چنین است:

مرا جان بفرسود
ازین زندگانی

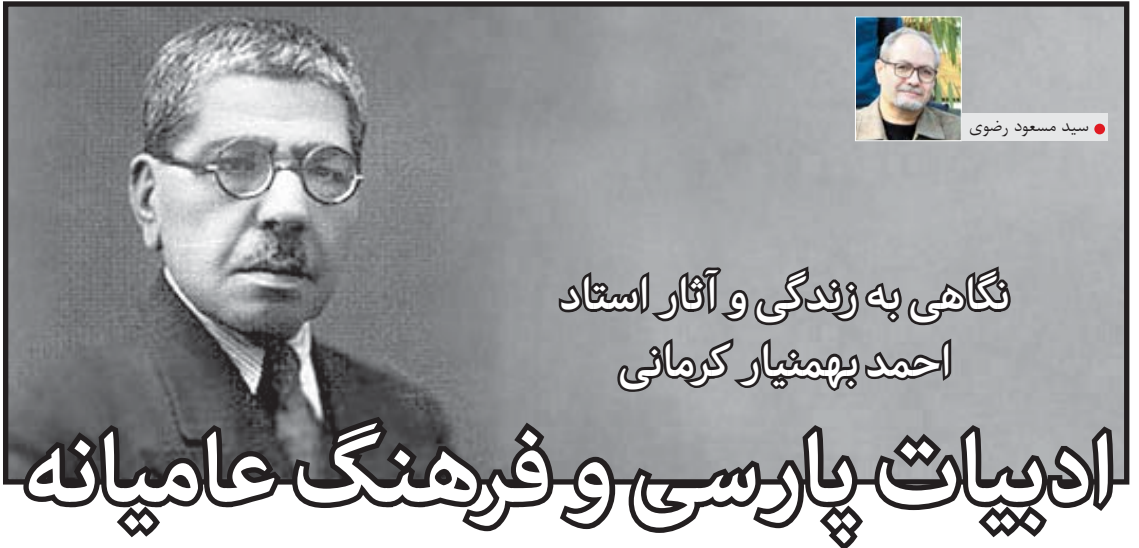
چه‌ها می‌توان یافت در آن حیاتی
که بر جان کند بارِ ننگش گرانی

من ای زندگانی بَسّت ازمودم
تسو آنی که از هر چه بدتر همانی

حکیم از گلستان دنیا چنید
بجز خارِ اندوه و نامهربانی

آن اداره رفت و در تصحیح و تنقیح قوانین و سامان‌دادن به تشکیلات عدلیه به برخی فضلا و قانون‌دانان و شخصیت‌های دانشور و موجهٔ یاری داد. عدلیه، امکان سفر و مأمویت به مناطق مختلف کشور را برای بهمنیار فراهم کرد. به قزوین و بعد به همدان رفت و در آنجا با وزیر وقت معارف آشنا شد. این وزراء، بهاءالملک، برادر اعتمادالله‌به میرزا یحیی‌خان قراقرزو بود و تحت تأثیر دانش و فضل و متانت بهمنیار قرار گرفت. به خواهش و سفارش بهاءالملک، بهمنیار به وزارت معارف منتقل و جهت تدریس در مدارس مهم تهران – از جمله دارالفنون – انتخاب شد. در بهمن ماه سال ۱۳۱۰ به جهت تدریس در دارالمعلمین عالی نیز برگزیده شد.

فعالیت‌های کاری بهمنیار هم‌چنان ادامه داشت تا آن که تحوّلی مهم در نظام آموزش عالی ایران رخ داد. در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، دانشگاه تهران تأسیس شد و بهمنیار که آموزگاری متّیجر و فاضل در درس‌های ادبیات پارسی و عربی و فلسفه و منطق بود، به دانشکدهٔ معقول و منقول راه یافت و به تدریس تاریخ در این



## نگاهی به زندگی و آثار استاد

## احمد بهمنیار کرمانی

# ادبیات پارسی و فرهنگ عامیانه

چه آسایشی خیزد از مـرز و بومی

که جـلاد بـر وی کـند مرزبانی

از بهمنیار تعهدی مبنی بر عدم دخالت در امور سیاسی و کنارجویی از فعالیت‌های حزبی گرفتند و در سال ۱۲۹۶ همراه با دیگر زندانیان آزاد و به تهران فرستاده شد. این زمان، مملکت درگیر مشکلات و نارسایی و فقر و پریشانی بود. بهمنیار جوان هم تنگدست و رنج‌کشیده بود و به ناچار برای امرار معاش به استخدام ادارهٔ مالیهٔ خراسان درآمد. با این همه، فکر فرهنگ و شور سیاست رهایش نکرد و در اوایسین سال‌های حکومت قاجار و در ابتدای قرن هجری شمسی کنونی – ۱۳۰۱ خورشیدی – در خراسان روزنامه‌ای به نام «فکر آزاد» منتشر کرد که می‌توان از عنوان آن، پی به مواضع و خط مشی آن برد. سال بعد، از شغلش استعافه کرد و راهی پایتخت شد. روزنامه‌اش را هم با خود آورد و کوشید آن را در هیاهوی تهران منتشر نماید. در این کار، شاعر نازنین و آزاده، حسین پژمان بختیاری هم او را یاری می‌داد، اما پس از یک سال دچار مشکلات متعددی شد. در این ایام حکومت تغییر کرد و تأثیرش را بر اطرافیان می‌افزود. در سال ۱۲۸۹ هـ. ش روزنامه‌ای به نام دهقان راه انداخت که ناشر افکار و اشعار انقلابی و آزادی‌خواهانه بود. امّا فضای واپس‌گرا و استبدادزدهٔ محلی، تساهلی نشان نمی‌داد پنج سال پس از آن، احمد و گروهی از هم مسلکان و دوستان حزبی‌اش بازداشت و به حبس در ارگ کریمخان



۱۰، این مقاله بعداً در جلد اول مجلهٔ فرهنگستان تجدید چاپ شد و همان است که در مقدمهٔ لغت نامهٔ دهخدا نیز آمده است.

هـوش باطن، نامهٔ شهربانی، سال‌های ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹.

– بر حکمت سعدی نتوان خرده گرفتن، مجله تعلیم و تربیت (سعدی‌نامه)، سال ۸، ص ۴۹ بجز این‌ها، او تلخیص‌هایی از متون کهن و درجه اول ادب و فرهنگ ایران برای تدریس در مدارس و دانشگاه‌های کشور فراهم کرده و آثار زیادی از رسایل شیخیه، خاصه تقریرات و رساله‌های حاج محمد کریم‌خان کرمانی به خط اوست. دیگر آثارش شامل تصحیح و تألیف‌های یارزشی است که جمگی از منابع مفید و موقت برای محققان محسوب می‌شود. همشهری فاضل و شیرین سخن بهمنیار، استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی، مقالهٔ شیوا و مفصلی در شرح احوال و کیفیت آثار و حیطهٔ افکار نوشته که بسیار خواندنی و نکته‌سنجانه و عبرت‌آموز است. این مقاله که در ابتدای «داستان نامهٔ بهمنیاری» منتشر شده، حامل و منبع اغلب اطلاعاتی است که در زندگینامه‌های بعدی آمده است: از جمله مقالهٔ مندرج در جلد ۴ دانشنامهٔ جهان اسلام (صفحات ۸۴۷ و ۸۴۸)، که گزارش کوتاهی هم از آثار مرحوم استاد بهمنیار داده است:

بهمنیار فهرست آثار و تألیفاتش را به خط خود نگاشته است. مهم‌ترین آثار چاپ شدهٔ وی عبارت‌اند از: روزنامهٔ دهقان (کرمان – دوسال – ۱۳۲۹ – ۱۳۳۱)؛ روزنامهٔ فکر آزاد (مشهد – دو سال، و تهران – یک سال – ۱۳۰۱ – ۱۳۰۴ ش)؛ تحفة احمدیه در شرح الفیةٔ این مالک (۲، ۱۳۳۰، جلد۲؛ تصحیح اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی سعید (تهران ۱۳۱۳ ش؛ تصحیح التوسل الی الترسل بهاءالدین محمد بن مؤید بغدادی (تهران ۱۳۱۵ ش)؛ تصحیح تاریخ بیهقی ابوالحسن علی بن زید بیهقی (تهران ۱۳۱۷ ش)؛ شرح احوال و آثار صاحب بن عباد (به کوشش محمدابراهیم باستانی پاریزی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ ش)؛ تصحیح الابنیه عن حقایق الادویه (به کوشش شادروان دکتر حسین محبوبی اردکانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ ش)؛ داستان نامهٔ بهمنیاری؛ (به کوشش فریدون بهمنیار، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش)؛ دیوان اشعار (بی‌تا)، تصحیح زبدهالتواریخ در تاریخ آل سلجوق (؟)، تاریخ ادبیات عربی در سه جلد (؟) و…

همان‌طور که گفته شد، رسایل مرحوم بهمنیار از عمق و غنای خاصی برخوردار است. «رسالهٔ املاّی فارسی بهمنیار که بیش از نیم قرن از چاپ آن می‌گذرد، مانند دیگر آثار وی، از جهت صحت و اتقان مطالب و نظم منطقی و قبول خاص و عام، از بهترین آثاری است که تاکنون در این باره تألیف شده‌است.» (دانشنامه، همان) در دایرةالمعارف ایرانیان، او با عنوان دانش‌پژوه، معلم و ادیب معرفی شده است. مردی که در ۱۶ سالگی استعداد و لیاقت داشته است که زبان عربی و ادبیات فارسی را به بهترین نحو ممکن، تا آن حد بیاموزد، که بعد از مرگ پدر دانشمند خویش، حوزهٔ درس وی را زیر نظر بگیرد و تدریس کند.

استاد بدیع الزمان فروزانفر دربارهٔ احمد بهمنیار گفته است: در سال ۱۳۰۱ ش، روزنامهٔ فکر آزاد را در خراسان منتشر ساخت و درست همین هنگام بود که این ضعیف را با این استاد قوی‌دست اتفاق آشنایی و دیدار افتاد و سبب آن بود‌که مرحوم استاد، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، که از بزرگان ادبای قرن اخیر بود و اغلب اشخاصی که به شعر و ادب عربی و فارسی آشنایی دارند، تربیت یافتهٔ محضر آن بزرگوارند و بیشتر استادان ادب نیز از محضر آن آفتاب معرفت اکتساب انوار فضایل کرده‌اند؛ از کمالات نفسانی و حسن ذوق و لطف اصالت و وسعت اطلاع جناب آقای بهمنیار برای ضعیف مطالبی فرموده بودند، و چون استاد مرحوم کم‌تر کسی را قبول داشتند و حتی از متقدمین ادبا عدهٔ معدودی را می‌دستوند، تصدیق ایشان از مقام علمی و ادبی این استاد گرامی، برای شاکردان ایشان فوق‌العاده عجیب بود و غریب می‌نمود، در همان ایام، (پژوهشگران ایران ، جلد ۱، ص ۲۷۲)

اما از دیوان اشعار مرحوم استاد، گویا حدود هزار و پانصد بیت برجا مانده است که شامل چند قصیده و غزل و مسمط است و برخی مثنوی‌ها و قطعه‌ها و غالباً در



نشریات گوناگون منتشر شده است. معروف‌ترین شعرش که از سوی ادبا و استادان علاقمند به سبک خراسانی در دورهٔ اول دانشگاه تهران بسیار پسند افتاده و ستوده شده است، چکامهٔ حبسیهٔ بهمنیار است که صد و بیت دارد. مثنوی‌ها وقطعه‌های حکایی و مطایبات انتقادی و طنزآمیز نیز دارد که برخی از آن‌ها مشابه یا ترجمان داستان‌های حیوانات – قابل – به شیوه و سیاق لافوتن؛ فرانسوی است. وی به سبک قفا و شاعران هم‌روزگارش ، ماده تاریخ‌هایی ، از قبیل تاریخ تأسیس برخی مدارس یا وفات دوستان و امثالهم هم سروده است و البته غزلیاتی هم دارد. از جمله این غزل:

نشست سیل سرشک از دلم غبار مال

سبک نـگشـت ز افغان و ناله بار مال

فغان که برق امید ی نمی‌کند چیـسـتن

زایـسـر حادثـه بـار فضـای تارمال

هجوم جیش بلا را دریغ و درد که نیست

در ایـن زمانـه پناهی بـجـز حصار مال

میانه من و سـر منـزل سلامـت و امن

کشیده دست قضا، سیم خاردار مال

بسی نهال نشـانـدیم در زمین امل

کـه زان نـهـان نچـیدیم غـیربـار مال

مالل تیره چو شب کـرد روزگار مرا

که باد چـون شـب من تـیرـه روزگار مال

نشاط و خـَرَمی از ما مـجو که طـینـت ما

سـرستـه‌اند زآب و گل دیاـر مـالـل

چکامهٔ طـرـبـاآور مـخـواه از دهقان

که هـسـت بیـعـش پـروردهٔ کـنـار مال

از حیث مضمون و حَسّ و حسّ، شعر بهمنیار تلخ است و این انعکاسی از اوضاع و سرگذشت اوست. به سبک خراسانی و شعر فاخر شعرای متقدّم پارسی گرایش دارد و فخامت کلام و صنعت پردازی را در حد اعتدال مجاز می‌داند . برای مثال برخی ابیات این قصیده که در منقبت امام رضا (ع) سروده، واجد همین ویژگی‌های سبکی است:

چرخم زبس به جرم هنر داد گوشمال

دلـتـنگ گـشـتم از هنـر و خـسـته از کمال

آوخ که گـشـت طوطی طبع بلند من

از سـنـگ حادثـات چو زاغ شکـسته بال

مانا ز بطـسـن مام جـهان بوـده بخت من

هـمـزاد رنج و اخت غـم و تـوأم مال

یا خود به جز سعادت من کاتب قضا

نـوشتـه شـرح مـتـمـع و مـعـنی محال

جانم به لب رسیـد ز اسقام لایـزول

کارم بـه جـان کـشـید زآلام لایزال

در میان شعرهای او، به طبع انعکاس اوضاع زمانه و به اصطلاح سیاسیات هم دیده می‌شود و این خصوصیت اغلب اشعار اوست. بسیاری از قصاید را تحت تأثیر تغییرات سیاسی می‌سروده و چون از کوشندگان مشروطه و از مشتاقان افکار آزادی و تحت تأثیر شور میهن پرستانه و انقلابی قرار داشته، گاهی شعرهایش مقرون و شبیه شاعران بزرگ مشروطه است. برای مثال، از خمّس که تحت تأثیر واقعهٔ کتلل محمدتقی‌خان پسران در خراسان برآمده شده:

مژده که دنیای پیر، از سرنو شد جوان

به جـسـمـش اندر دمید صور تکامل روان

پیکر رنجور شـرق گرفت تاب و توان

پنجهٔ حق بردرید پردهٔ حق نـشـوان

کوس حقیقت فکند به ربیع مسکون طنین

مغرب بس خورده خون گرفته دیوانگی

شده سست مغزش تهی زهوش و فرزانیگی

بشـر نـبـینـد مگر به چشـم بیگانگی

نبوید از حرص و از طریق مردانگی

در این نوع شعرها، که در حقیقت نظم روزنامه‌ای عصر مشروطه است، سستی در شکل و محتوا دیده می‌شود، امّا شور و حال عصر در آن نمایان است و البته به در همان زمان انشاء و سرایش می‌خورد:

اگر معاهد شـوئند فرانس و ایتالیا

وگـر به ژاپـن شـود حلیـف برتـانیا

وگر زند امریکا ، طـبـل خـلاف از ریا

مقصد و منظورشان نیست بجز آسیا

که بهر یغما ی جمله نموده کمین

معمولاً هم در پایان یا در ضمن این نوع چامه‌ها و چکامه‌ها، که رونویسی از برخی شعرهای تجددگرا و ابداعی مرحوم ادیب‌الמمالک فراهانی و چند تن دیگر است، عواطف مهینی شاعر نیز محال بروز می‌یابد و گریزی هم به شکوه باستانی و عظمت از دست رفته دارد :

بقیه در صفحهٔ ۶



## نگاهی به زندگی و آثار استاد احمد بهمنیار کرمانی

# ادبیات پارسی و فرهنگ عامیانه



بقیه از صفحه ۵  
ایدون ایرانیان، به دانش آید و هوش  
بازنماید چشم، گشاده دارید گوش  
برآورد از جگر، به نام ایران خروش  
که بست دشمن طمع به کشور داریوش  
نهاد دام فریب هم از یسار و یمین  
ملت در خواب جهل غنوده از مردوزن  
به جهل دل کرده خوش به ننگ در داده تن  
کم خرد خود پرست، بی هنر و لافزن  
پشه به هنگام کار، پیل به گاه سخن  
به نزد خود شرمسار نه ز دگران شرمگین  
فرقه عالم نما دشمن علم و هنر  
برای اغفال خلق تنگ بیسته کمر  
قرآن دام فریب کرده پی سیم و زر  
ز حکم ناحق کنند هزار تفتین و شر  
به فکر ایشان گواه نص کتاب مبین  
سران کشور که باد از تشان سرچا  
در ره اغراض شوم کرده وطن را فدا  
دولت از ایشان فقیر ملت از ایشان گنا  
نه شرمشان از رسول، نه بیمشان از خدا  
ز مردمی بی نشان، با اجنبی هم نشین  
به هرحال به قول استاد باستانی پاریزی: «استاد بهمنیار،  
شعر می سرود ولی به شاعری شهرت نداشت. خصوصیت اشعار  
استاد در این است که نمایشگر اوضاع محیط خودش است و  
اغلب بیان وضع ناهنجار آن ایام، دیوانش... مشتمل است بر قصاید  
شکوایه که در استحکام به پایه بزرگان شعرای قدیم می رسد،  
اشعار وطنیه که از آن جمله قصیده‌ای در هفتاد و پنج بیت که  
مطالعش این است:

یار رب چه رفت ملت ایران را

کز کف بلاد شوکت و عنوان را  
و در آخر آرزو می کند با یک جنبش ملی طرحی نو افکنده  
شود و می گوید:

آیین نوگذار که زان آیین

ریشک بهشت بنگری ایران را  
یابی به جای اهل نفاق و بغض  
برپای قوم یکدل و یکجان را  
هم کارگر سعید بینی، هم  
پیروز بخت زارع و «دهقان» را.  
(مقدمه داستان نامه، صص ۸۱ و ۸۲)

به هر حال، حتی در ضمن اشعار طنز و مطایبات مرحوم  
بهمنیار هم، رویکرد اجتماعی و انتقادی وی بازتاب دارد. آخرین  
نمونه از اشعار، این دو بیت را نقل می کنم:  
تحدید جمال یار خود کامه من  
هرگز نشود اداره با خامه من  
تفتیش کن و ببین که جز سوخته‌ای  
از آتش هجر نیست در جامه من

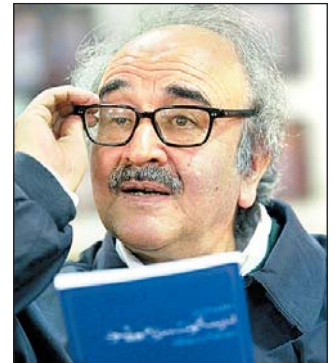
### داستان نامه بهمنیار

با مقدماتی که در ابتدای این بحث آوردیم، اهمیت کار  
استاد بهمنیار در گردآوری و تألیف کتاب «داستان نامه» مشخص  
می شود. در واقع، این کتاب، هیچ ربطی به داستان، در معنای  
متعارف و امروزی، ندارد. یک فرهنگ امثال است و چندین هزار  
- بیش از شش هزار - مثال فارسی را که در افواه مردم رایج است،  
به ترتیب الفبایی آورده و توضیحاتی در معنا یا ریشه یا متشابهات  
مرتبط با آنها نیز در ذیل هر کدام بیان کرده است.

مؤلف بزرگوار ما، که خود صاحب نثری زیبا بوده، مقدمه‌ای  
مفصل و مفید و متکی به تعاریف منطقی و دقیق بر این کتاب  
نگاشته تا معنای مورد نظر خود را از «امثال» مشخص سازد.  
در ابتدای سخن نیز جستارگشایی فرموده و دلیل تألیف را  
این گونه بیان می دارد: نگارنده این اوراق احمد بهمنیار کرمانی  
متخلص به دهقان، در حدود سال ۱۳۲۳ هجری (تقریباً بیست و  
یک سال قبل) به این خیال افتاد که اصل و ریشه بعضی کلمات

## درستایش حکیم فردوسی

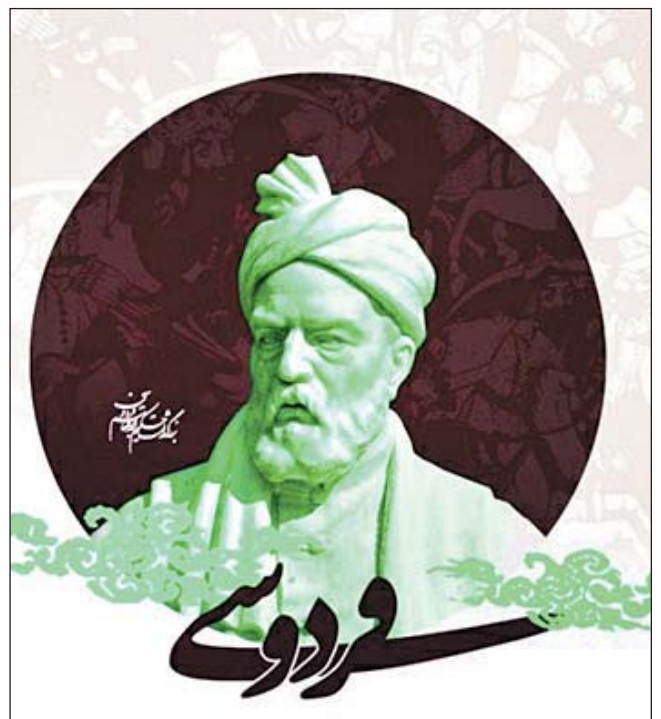
# جاودان خرد



بزرگا! جاودان مرد! هشیواری و دانایی  
نه دیروزی که امروزی، نه امروزی که فردایی  
همه دیروز ما از تو، همه امروز ما با تو  
همه فردای ما در تو، که بالایی و والایی  
چو زینجا بنگرم، زان سوی ده قرن هستی  
که می گویی و می روی و می پالی و می آیی  
به گردت شاعران انبوه و هر یک قله‌ای بشکوه  
تو اما در میان گویی دماوندی که تنهایی:  
سر اندر ابر اسطوره، به ژرفا ژرف اندیشه  
به زیر پرتو خورشید دانایی چه زیبایی!  
هزاران ماه و کوکب از مدار جان تو تابان  
که در منظومه ایران، تو خورشیدی و یکتایی  
ز دیگر شاعران خواندم مدیح مستی و دیدم  
خرد مستی کند آن جا که در نظمش تو بستایی  
اگر سر نامه کار هنرها دانش و داد است  
تویی رأس فضیلت‌ها که آغاز هنرهای  
سخن‌ها را همه، زیبایی لفظ است در معنی  
تو را زبید که معنی را به لفظ خود بیاری  
گهی در گونه ابر و گهی در گونه باران  
همه از تو به تو پویند جویباران که دریایی  
چو دست حرب بگشایند مردان در صف میدان  
به سان تند و تبین همه تن بانگ و هزایی  
چو جای بزم بگزینند جویباران در گلستان‌ها  
همه جان، چون نسیم، آرامشی و بریشم آوایی  
بدان روشن روان، قانون اشراقی که در حکمت  
شفای پور سینایی و نور طور سینایی  
پناه رستم و سیمرغ و افریدون و کیخسرو  
دلیری، بخردی، رادی، توانایی و دانایی

### پی نوشت:

تین: اژدها / هزا: بانگ و فریاد هراس آور  
و مهیب / عازر: در انجیل به صورت «الیعازر»  
آمده است و نام مردی است که مسیح بر سر  
گور او آمد و او را، چهار روز پس از مرگ وی،  
زنده کرد. حضرت مولانا فرموده است:  
به جهانیان نماید تن مرده زنده کردن  
چو مسیح خوبی تو سر گور عازر آمد  
خوزی: خوزستانی / آتوریات: آذربایجان



را که اهالی کرمان در  
محاورات خود استعمال  
می نمایند و در جاهای  
دیگر مستعمل و متداول  
نیست، از فرهنگ‌های  
مختلف استخراج و از  
مجموع آن لغات، کتابی  
تألیف نمایم. محرک  
این خیال، ملاحظه دو  
کتاب بود که ادیبی از  
همشهریان به نام  
«خارستان» و «نیستان» به لغت و لهجه عوام کرمان تألیف و در  
سبک عبارات و انشاء از گلستان و بوستان سعدی تقلید کرده بود.  
چون طبایع عامه میل خصوصی به هزل و مزاح دارد، دو کتاب  
مزبور شهرتی تمام یافته و در ضمن بعضی خرده‌گیران و ظرفا،  
کلمات و اصطلاحات آن را دستاویز طعن و تمسخر اهالی کرمان  
قرار داده بودند. بدین سبب بود که نگارنده به خیال سابق‌الذکر  
افتاده می خواستم مدلل دارم که اغلب آن کلمات و اصطلاحات از  
اصل فارسی قدیم است و چون اهالی کرمان کمتر از مردم سایر  
بلاد با ملل و امم متنوعه آمیزش داشته اند، لغات قدیمه فارسی  
نزد آنها بیشتر محفوظ مانده که بعضی را بالاتغییر و بعضی دیگر  
را با مختصر تحریف و تغییری در محاورات خود به کار می برند.  
در ضمن اشتغال به این امر، به بعضی امثال عامیانه برخوردیم که  
ضبط آنها را به جهاتی لازم دانسته و در دفتری جداگانه به ترتیب  
حروف تهجی ثبت نمودیم. در ادامه می نویسد: «مثل، یک شعبه  
مهم از ادبیات هر زبان و نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار،  
عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان است. وقتی که امثال  
جاریه بین یک ملت را به دقت مطالعه و در نکات و دقائق آن  
تأمل کنید، طوری بر زندگانی اجتماعی و انفرادی، درجه تربیت و  
تمن، پایه ترقی و تنزل، رسوم و عقاید احساسات و تصورات آن  
ملت مطلع می شوید که گویی سال‌ها با افراد طبقات مختلفه آن  
شریک زندگی و رفیق شب و روز بوده‌اید.»

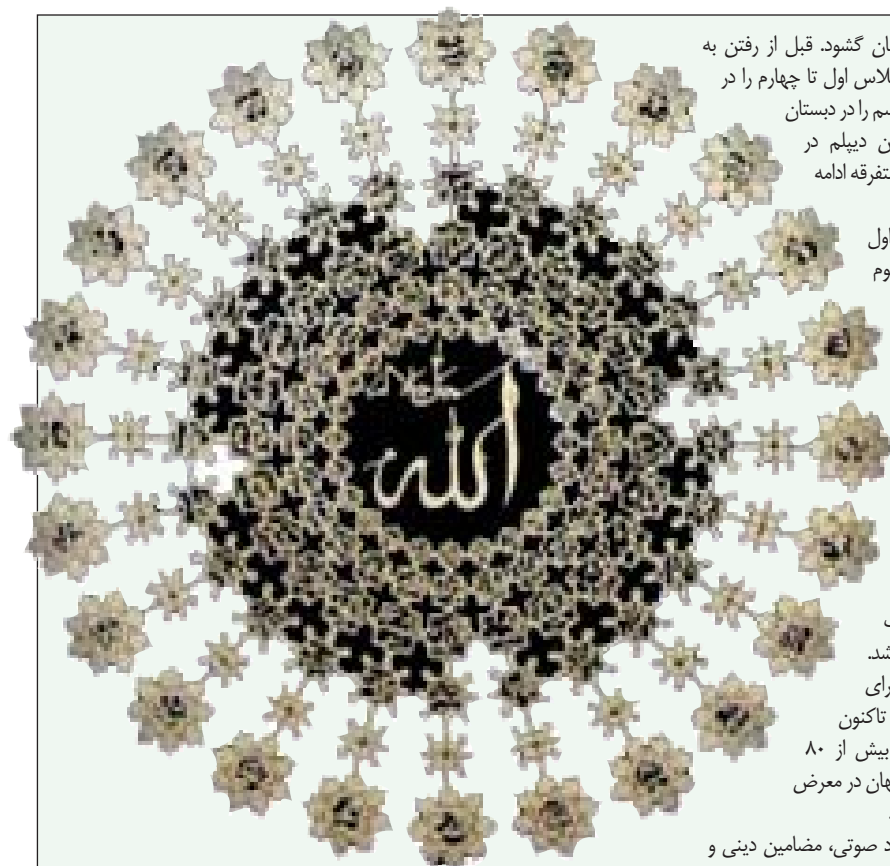
«مثل قدیمی ترین ادبیات بشر است. انسان پیش از آن که  
شعر بگوید و قبل از آن که خط بنویسد اختراع امثال نموده و  
در محاورات خود به کار برده است... درجه عظمت و وسعت  
هر زبان و علو فکر ادبی اهل آن زبان از شماره امثال سائره آن  
معلوم می شود، زیرا امثال عبارت‌اند از جمله‌های حکیمانه‌ای که به  
قدری فصیح و در عین فصاحت ساده و لطیف و دارای استعارات،  
کنایات و تشبیهات خالی از تکلف‌اند که عامه آنها را پسندیده با  
کمال میل حفظ و در محاورات خود استعمال می نمایند، بنابر این  
هر مثلی از امثال یک نمونه عالی از فکر و قریحه ادبی یک ملت  
است، پس هر زبانی که امثالش بیشتر باشد ادبیاتش کامل تر و فکر  
ادبی متکلمین به آن عالی تر و وسیع تر است. چون کمال ادبیات و  
ذوق ادبی فرع وسعت زبان و کثرت لغات و اصطلاحات آن است.  
می توان گفت که بسیاری امثال هر زبان دلیل وسعت و عظمت  
آن زبان است...» با این اوصاف، بهمنیار در مقدمه، نکات ظریف  
و مسائل و تقسیمات و تعریفات دقیقی در این زمینه آورده و نهایتاً  
توضیحاتی در باب کتاب می دهد. این کتاب، در نوع خود، در کنار  
امثال و حکم علامه دهخدا، یکی از بهترین آثار در عرصه ادب  
مردمی و عامه است.

### منابع:

مقاله احمد بهمنیار، به قلم ایرج افشار، فرهنگ ایران زمین، ج  
۳، سال ۱۳۳۴/ دانشنامه جهان اسلام، جلد ۴، ۱۳۷۷، مقاله حمید فرزام/  
لغت‌نامه دهخدا، جلد اول، مقدمه/ داستان نامه بهمنیار، استاد احمد  
بهمنیار، دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۸۱/ پژوهشگران معاصر ایران،  
هوشنگ اتحاد، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸، جلد اول، صفحات ۳۴۹ تا ۳۴۸/  
یادی از استاد بهمنیار کرمانی، حمید فرزام، فصلنامه کرمان، شماره‌های  
۱۳ و ۱۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۳/ ترجمه احوال استاد بهمنیار، محمد  
ابراهیم باستانی پاریزی، مقدمه داستان نامه بهمنیار، صفحات ۴۱ تا  
۸۳/

والسلام.





در شهر کرمان دیده به جهان گشود. قبل از رفتن به مدرسه به مکتبخانه رفت. کلاس اول تا چهارم را در دبستان کاویانی و پنجم و ششم را در دبستان ایرانشهر گذراند و تا گرفتن دیپلم در دانشسرای مقدماتی به طور متفرقه ادامه تحصیل داد.

ضمناً از کلاس اول دبستان نزد دایی خود، مرحوم استاد علی صوتی - که در نقاشی فرش، کاشی، گچ‌بری و پته‌دوزی ید طولایی داشت، آموزش دید و در رشته طراحی شروع به کار کرد و پس از چند سال توانست در این رشته، مهارتی کسب کند. پس از این که دانشسرای مقدماتی را به پایان برد، به عنوان معلم در فرهنگ استخدام و سپس بازنشسته شد. اولین اثر استاد، طراحی و اجرای چهره خیام بود و از آن پس تاکنون بی‌شماری از آثار استاد در بیش از ۸۰ نمایشگاه در سطح ایران و جهان در معرض دید هنردوستان قرار گرفته‌اند.

در کارهای هنری استاد صوتی، مضامین دینی و

«۲۲ سال از سنم گذشته بود که به عنوان آموزگار در اداره فرهنگ کرمان استخدام شدم. در دی ماه ۱۳۳۰ با دریافت حکمی به عنوان آموزگار دبستان‌های شهداد (از توابع کرمان) به سوی آن دیار و با الاغ از راهی که بیش از چند فرسخ آن در مسیر رودخانه‌ای بود که با وجود فصل زمستان جریان آب سردی داشت، حرکت کردم. در تکایات شهداد (شفیع آباد)، ابلاغ مرا که مدیر و آموزگاری دبستان زیارتگاه بود به دستم دادند.

شفیع آباد؛ دهی محقر و آخرین آبادی شهداد بود که کاروانیان شتر از آنجا و پس از گذشتن از کویر لوت به سوی بیرجند آمد و رفت می‌کردند. این ده تشکیل شده بود از قلعه‌ای که محل سکونت اهالی و یک چادر به عنوان مدرسه که محل اقامت و کار من بود. شب‌ها از ترس تا اذان صبح بیدار بودم. مدتی بعد تصمیم گرفتم از ظهر پنج‌شنبه تا صبح شنبه که وقت بیکاری من بود، به شهداد بروم تا در جمع فرهنگیان باشم و در جلسه مشاعره آنها شرکت کنم و از تنهایی خلاص شوم. چندین فرسخ را با الاغ یا پیاده می‌رفتم. در آن جلسه آقایان منظوری، سیستانی، ذکاء اسدی، اصفهانی، گروسی، رونقی، و غیره حضور داشتند. بودن در خدمت آنها چقدر لذت‌بخش بود؛ به ویژه در جلسه مشاعره آنها و در روزگاری که تلویزیون، ویدیو، موبایل و غیره وجود نداشت و سرگرمی جوان‌ها، مشاعره یا حل معما بود. از همان موقع تصمیم گرفتم اشعار برگزیده را در دفتری یادداشت کنم و به تدریج این کار از وظایف من شد. از آن زمان حدود ۷۰ سال می‌گذرد. بعدها یادداشت کردن احادیث و معما هم به آن کار اضافه شد و تمامی دفاتری که نوشتم را تا امروز نگهداری کرده‌ام. آرزوی من این است آنچه می‌دانم را همه بدانند و تجربه عمر ۹۰ ساله خود را در اختیار دیگران قرار دهم.

امید است مورد قبول واقع شود.»

نوشته فوق بخشی از مقدمه اثری از استاد اکبر صوتی است با عنوان «معجون» و در واقع کشکولی است که به صورت دست نوشت ارائه شده

شکل گرفته و طی شش ماه روزی حداقل ۵ تا ۷ ساعت روی آن کار کرده است.

او همچنین تابلوی «مولود کعبه تا محراب شهادت» را به اتمام رسانده که ابعاد آن ۸۰×۱۲۵ سانتیمتر است و دعای فرج به ابعاد ۹۰×۱۶۰ سانتیمتر در موزه برج آزادی تهران به همراه ۱۲۴ اثر دیگر از او نگهداری می‌شود.

استاد اکبر صوتی در تزیین تابلوهای خود از معروف‌ترین خطاطان جهان اسلام از جمله حامدی از ترکیه، عراقی از عراق و استادان ایرانی به نام‌های زنجانی، جلیل رسولی، سید محسن مؤمنی، محمد ایازیان و نصرالله افجه‌ای بهره می‌گیرد.

وی خطوط خوشنویسان مشهور را در کار خود طوری تنظیم می‌کند تا ضمن حفظ اصالت خط، برای کار مشبک، یکپارچه و قابل استفاده باشد.

او در سال ۱۳۳۴ در یکی از روستاها معلم بود. در آنجا از چوب و نقاشی پشت شیشه و آینه، تخته نرد و شطرنج درست کرد. این اثر، در نمایشگاهی که از طرف اداره فرهنگ کرمان در دبیرستان کیخسرو شاهرخ بر پا شده بود، شرکت داده شد. همچنین اثر وی در کرمان، تهران و سپس در نمایشگاه بین‌المللی که در ژاپن برپا بود، رتبه اول را کسب کرد.

در سال ۱۳۷۳ در نگارخانه میثاق تهران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور انفرادی نمایشگاهی از آثار این هنرمند برپا بود و از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ آثار استاد صوتی در ده‌ها نمایشگاه ارائه شدند.

استاد صوتی براساس مصوبه مورخه ۱۳۸۳/۱۰/۱ شورای ارزشیابی هنرمندان سنتی با کسب ۱۸۰ امتیاز درجه یک هنری مفتخر به دریافت مدرک تحصیلی دکتر شد و مدرک دکترای هنر خود را در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۱ در تالار وحدت از آقای دکتر احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری وقت دریافت کرد.

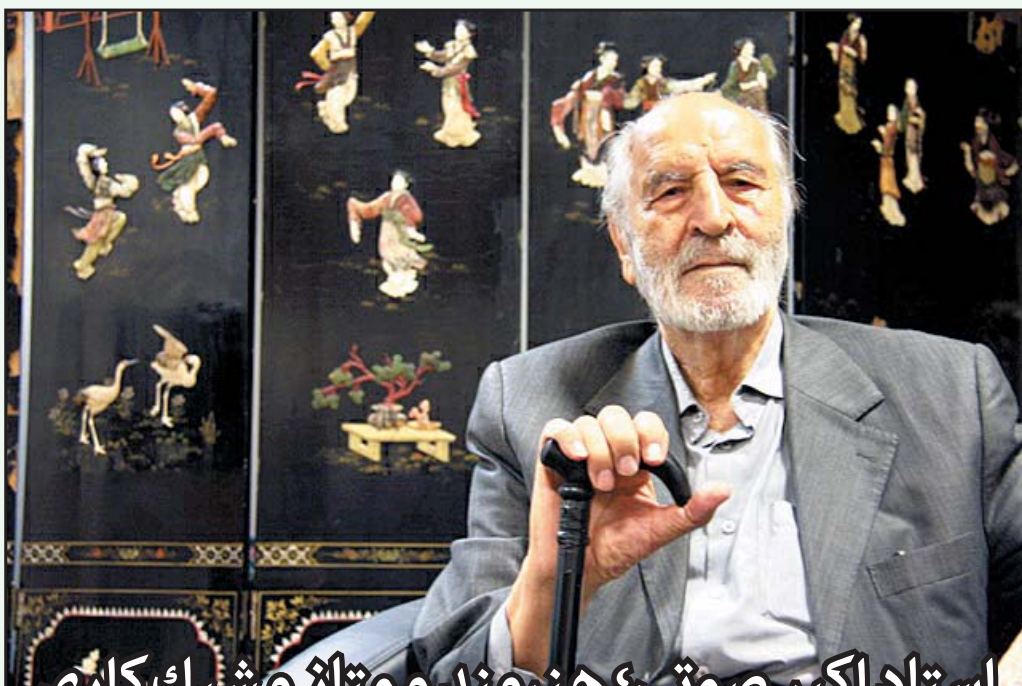
استاد تاکنون بیش از ۳۰۰ اثر آفریده است که بیشتر این آثار از سال ۱۳۸۱ در موزه هندی کرمان نگهداری می‌شوند.

وی در سال ۱۳۹۰، تابلویی به ابعاد ۱۳۰ \* ۱۴۰ سانتیمتر، مزین به مرغ بسم الله الرحمن الرحیم و ۱۰۳ نام مبارک علی (ع) و ذوالفقار و تصویر شاه نعمت الله ولی تهیه و به آستان آن حضرت در ماهان، هدیه کرد.

همچنین از سوی انتشارات سمت کتاب استاد با تصویر ۲۳۰ اثر به نام (مشبک) به چاپ رسیده که برای دانشجویان رشته هنر در مقطع کارشناسی تدوین شده است و یک واحد درسی محسوب می‌شود.

استاد به مدت ۸ سال در دانشگاه الزهرا (س) و دانشکده کاربردی و دبیرستان صالح تهران، تدریس کرده و آموزش داده است.

استاد اکبر صوتی از مفاخر دیار کرمان در عرصه هنر تزیینی است که توفیق ایشان را در خلق آثاری دیگر و خدمت به عرصه تعلیم و گسترش فرهنگ و هنر ایران اسلامی آرزو می‌کنیم.



## استاد اکبر صوتی؛ هنرمند ممتاز مشبک‌کاری

آمده است و این بخش‌ها و مطالب را شامل می‌شود:

احادیث، اشعار طولانی، نیایش، دوبیتی، جمله‌های کوتاه و پند و اندرز، داستان‌های کوتاه، معما و پاسخ‌های آنها و قسمت خالی وسط هر صفحه با عنوان مقیاسات تا خواننده محترم به دلخواه خود مطلبی به آن بیفزاید

البته استاد صوتی در نوشته‌ای دیگر یادآوری کرده است که نویسنده نیستم تا نوشته‌ها، خالی از عیب باشند. اما وقتی فرزندانم، نوه‌ها و نتیجه‌ها از من خواستند خاطرات خود را که از سال ۱۳۳۰ در دفاتری نوشته‌ام به چاپ برسانم، قبول کردم و به دلیل گرانی کاغذ، از روی همان دفاتر به تعداد محدود زیراکس کردم تا به دوستان و بستگان هدیه دهم.

### زندگی و فعالیت هنری استاد

در کتاب «چهره‌های ماندگار کرمان» از انتشارات مرکز کرمان‌شناسی و به سعی و کوشش ادیب فرزانه؛ محمد دانشور درباره زندگی و فعالیت‌های هنری استاد اکبر صوتی کرمانی آمده است:

وی یکی از هنرمندان ممتاز هنر مشبک‌کاری است که بیش از نیم‌قرن در این رشته آثاری ذی‌قیمت و آمیخته با عشق خلق کرده است. اکبر صوتی در سال ۱۳۰۸ شمسی، در خانواده‌ای مذهبی و هنری

اسلامی نقش اصلی دارند. شاید اعجاز و قدرت آفرینندگی این هنرمند در همین است که مایه‌های سنتی، مذهبی و ملی را در سطح جهانی متجلی می‌کند. ساختار آثار استاد از نظر فرم و قالب، متکی بر یکپارچه بودن کار با حداقل اتصال اضلاع بر سطح چوب، فلز، تلق و ... است و از نظر محتوا مبتنی بر انتقال مضامین دینی، ملی، عرفانی است.

او برای نخستین‌بار در دنیا تخم شترمرغ را مشبک کرده و بر روی پایه‌ای از مشبک چوب قرار داده است.

استاد، تاکنون تصاویری از حضرت محمد(ص)، حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی (ع) و شت اشو زرتشت، همچنین تصاویری از امام‌خمینی(ره)، مقام معظم رهبری، مرحوم آیت‌الله طالقانی، مرحوم حجه‌الاسلام عبدالحسین حجتی و برخی شخصیت‌ها از جمله پاتریس لومومبا از آفریقا، گاندی از آسیا، آلنده از آمریکای جنوبی، پاستور از اروپا و برخی مشاهیر و مفاخر ایران از جمله حافظ، سعدی، فردوسی، مولانا، ابوعلی سینا، استاد شهریار، علی اطهری (شاعر کرمانی)، زنده یاد غلامرضا تختی، استاد علی صوتی (نقاش)، امیرکبیر و دکتر شریعتی به سبکی نو و ابتکاری ساخته است.

یکی از تابلوهای وی با الهام از سوره‌های مبارکه حمد و توحید



## امروز در تاریخ

## سکه زرین «شعله جاویدان» یول ملی ایرانیاں شد

اردشیر پاپیانی بنیادگذار دودمان ساسانیان یازدهم  
ژوئن در سال ۲۲۶ میلادی سکه زرین «شعله جاویدان»  
را پول ملی ایران اعلام داشت و به جریان گذارد. وی این  
سکه را در سال ۲۲۴ میلادی در «پارس» به عنوان واحد  
پول رایج در محل ضرب کرده بود. بر یک روی این سکه  
که نمونه های آن در موزه ها موجود است نقش «شعله  
جاویدان» حک شده است که در ظرفی روی ستونی قرار  
داده شده و زبانه می کشد.

## قدر دانی باستانشناسان معاصر از شایور یکم

دهم ژوئن سال ۲۵۶ میلادی، ارتش ایران پس از شکست دادن ارتش روم، شهر سلوکیه شمالی که رومیان را «ژوگما» می خواندند و در کنار فرات داشت و پایگاه اصلی ارتش روم در شرق مدیترانه بود تسخیر کرد. شاپور یکم پس از تسخیر سلوکیه آناتولی، اجازه نداد که سربازانش کوچکترین آسیب به آثار هنری این شهر و ثروتمند و یادگار دوران سلوکی ها برسانند و به همین دلیل مجسمه ها، موزائیک کاری ها، تونل های سنگی و انبارهای زیرزمینی این شهر برای انسان امروز به همان صورت دست نخورده باقی مانده و باستان شناسان در برنامه انوا» که هفتم ژوئن ۲۰۰۵ از تلویزیون عمومی آمریکا (پی بی اس) پخش شد از این کار شاپور یکم قد، دانک کرد.

تاسیس‌برگترین کتابخانه‌های ایران

یازدهم ژوئن سال ۲۵۰ میلادی کتابخانه گندی  
شاپور که بزرگترین کتابخانه دنیای باستان و نخستین  
کتابخانه عمومی - پژوهشی جهان به شمار آورده شده  
است، آغاز بکار کرد. ولی تکمیل آن تا پریل ۲۵۲ میلادی  
ادامه داشت. دانشگاهی که در همین محل و به همین  
نام دایر شده بود نیز بزرگترین مرکز آموزش و پژوهش  
پزشکی، فلسفه و ادبیات دنیای قدیم خوانده شده است.  
در این دانشگاه استادان ایرانی، هندی، یونانی و رومی  
تدریس می کردند.

باید دانست که نخستین کتابخانه جهان مرکب از آجرک نبشته در سال ۶۳۰ پیش از میلاد توسط آشور بانیسال در شهر نینوا تأسیس شده بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

## قاب امر وز



طرح سالم سازی دریای خزر در شرایط کمبود منابع / عکس از: احسان فاضلی اوسانلو

سرایه

جهانا چون دگر شد حال و سانس؟  
دگر گشتی چو دیگر شد زمانس!  
عروسی پرنگار و نقش بودی  
رخ از گلنار و از لاله دهانست  
به چشمست کرد بدچشمی، همانا  
ز چشم بد دگر شد حال و سانس  
ناصر خسرو

يٰۤاَيُّهَا رُكَّانُ

آدمی ساخته افکار خویش است. فردا همان خواهد شد که امروز می‌اندیشیده است.

**مترینگ**

اگر دریچه‌های ادراک را بسته بودند، انسان همه چیز را همان گونه که هست می‌دید: بی‌انتها.

**بلیک**

## 5267

## جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان

## سودو کو

۲۷۵۴

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
|   |   | ۲ | ۳ | ۵ |   |   | ۷ | ۶ |
|   |   | ۶ | ۸ |   |   | ۳ | ۵ |   |
|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲ | ۸ |   | ۹ |   | ۳ |   |   |   |
|   | ۳ |   |   |   |   |   | ۶ |   |
|   |   |   | ۴ |   | ۵ |   | ۸ | ۳ |
|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|   | ۱ | ۳ |   |   | ۸ | ۷ |   |   |
| ۶ | ۹ |   |   | ۳ | ۱ | ۴ |   |   |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۲ | ۴ | ۳ | ۶ | ۵ | ۷ | ۱ | ۹ | ۸ |
| ۱ | ۹ | ۸ | ۲ | ۴ | ۳ | ۶ | ۵ | ۷ |
| ۶ | ۵ | ۷ | ۱ | ۹ | ۸ | ۲ | ۴ | ۳ |
| ۳ | ۲ | ۴ | ۷ | ۸ | ۶ | ۵ | ۱ | ۹ |
| ۵ | ۶ | ۱ | ۳ | ۲ | ۹ | ۷ | ۸ | ۴ |
| ۷ | ۸ | ۹ | ۴ | ۱ | ۵ | ۳ | ۲ | ۶ |
| ۹ | ۳ | ۲ | ۵ | ۷ | ۴ | ۸ | ۶ | ۱ |
| ۴ | ۱ | ۶ | ۸ | ۳ | ۲ | ۹ | ۷ | ۵ |
| ۸ | ۷ | ۵ | ۹ | ۶ | ۱ | ۴ | ۳ | ۲ |

حل جدول ۲۷۵۳

|              |              |                |             |                    |
|--------------|--------------|----------------|-------------|--------------------|
| فوق العاده   | عرض          | گرما           | مته برقی    | کتابی از ناصر خسرو |
| بر دبار بودن | نشانه مفعولی |                | همراه آشغال |                    |
|              |              | استان ادب پرور |             |                    |
|              |              | شاخه زدایی     |             |                    |
|              |              | شدر            |             |                    |
|              |              | ساک            |             |                    |
|              | قلعه کوچک    |                | مفهوم       | پهلوانان           |
|              | روحانی       |                |             |                    |
|              |              | نقره گون       |             |                    |
|              |              | همراه هول!     |             |                    |
|              |              | در این زمان    |             |                    |
|              |              | عمران          |             |                    |
|              |              |                | اسم         |                    |
|              |              |                | گ           |                    |
|              | نیشه         |                |             |                    |
|              | دیوان اشعار  |                |             |                    |
|              |              | تنه            |             |                    |
| پزشکی        |              |                |             |                    |
| اندن مزاحیم  |              |                |             |                    |
|              |              |                |             |                    |
| جسم          |              |                |             |                    |
| واله         |              |                |             |                    |
| جوهر مازو    |              |                |             |                    |
| انجامیده     |              |                |             |                    |
| و سیده       |              |                |             |                    |
| م            |              |                |             |                    |